

شناسایی و تحلیل عوامل مؤثر در توسعه یکپارچه با تأکید بر پیوندهای روستایی - شهری (مطالعه موردی: شهرستان مینودشت)

محمد رضا پورمحمدی^{۱*}، علی طورانی

۱. استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده جغرافیا و برنامه‌ریزی، دانشگاه تبریز، تبریز
۲. دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده جغرافیا و برنامه‌ریزی، دانشگاه تبریز، تبریز

دریافت: ۹۵/۳/۳۱ پذیرش: ۹۵/۱۰/۲۸

چکیده

نابرابری‌های ناحیه‌ای در بسیاری از کشورها چالشی اساسی در مسیر توسعه است؛ در این راستا برنامه‌ریزی ناحیه‌ای پاسخی به نارسایی‌ها و کاستی‌ها و کوششی در جهت از میان بردن نابرابری‌ها و تحقق توسعه یکپارچه ناحیه‌ای است. هدف تحقیق حاضر شناسایی و تحلیل عوامل مؤثر بر توسعه یکپارچه ناحیه‌ای با تأکید بر پیوندهای روستایی - شهری در شهرستان مینودشت بوده است؛ بنابراین ماهیت تحقیق کاربردی و روش آن توصیفی - تحلیلی است. در این راستا از سه تکنیک طوفان مغزی، دلفی و ماتریس اثرات متقاطع (به کمک نرم‌افزار میک مک) استفاده شد. با استفاده از تکنیک طوفان مغزی و دلفی ۵۴ عامل شناسایی شد که ۱۱ عامل در بخش کشاورزی، ۴ عامل در بخش صنعت، ۱۳ عامل در بخش خدمات، ۴ عامل در بخش نیروی انسانی، ۴ عامل در بخش زیربنایی، ۳ عامل در بخش آموزشی، ۵ عامل در بخش اجتماعی، ۴ عامل در بخش منابع طبیعی و ۶ عامل در بخش مدیریت و برنامه‌ریزی قرار گرفته اند. این عوامل با استفاده از نرم‌افزار میک مک تجزیه و تحلیل شدند. براساس نتایج به دست آمده سیستم مورد مطالعه از نوع ناپایدار بوده و بنابراین در آن با پنج دسته از عوامل تأثیرگذار، دو وجهی، تأثیرپذیر، مستقل و تنظیمی سروکار داریم. عوامل تأثیرگذار شامل دوازده عامل از جمله مدیریت یکپارچه ناحیه‌ای، برنامه محوری، زیرساخت‌ها، شبکه حمل و نقل ناحیه‌ای و... است. عوامل مستقل شامل پانزده عامل مانند کشت دانه‌های روغنی، جنگل‌ها و مراتع، شبکه‌های اجتماعی و سازمان‌های غیردولتی و... می‌گردد؛ عوامل دوجهی شامل شانزده عامل است که از آن جمله به کارآفرینان، گردشگری ورزشی، امنیت، تجارت الکترونیک، سرمایه‌های بخش خصوصی و... اشاره نمود. عوامل تأثیرپذیر نیز شامل یازده عامل می‌گردد که می‌توان در این زمینه از عواملی نظیر واحدهای خدماتی، تعاونی‌ها، باغداری، گردشگری فرهنگی، منابع آب و... نام برد. در سیستم مورد مطالعه عامل تنظیمی وجود ندارد.

واژگان کلیدی: توسعه یکپارچه ناحیه‌ای، برنامه‌ریزی ناحیه‌ای، پیوندهای روستایی - شهری، شهرستان مینودشت.

pourmohammadi@tabrizu.ac.ir

* نویسنده مسئول مقاله:



مقدمه

نابرابری‌های ناحیه‌ای در بسیاری از کشورها چالشی اساسی در مسیر توسعه است. این نابرابری‌ها تهدیدی جدی برای رسیدن به توسعه متعادل و متوازن بوده و دستیابی به وحدت و یکپارچگی را دشوار می‌کند (تقوایی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵۴). در این راستا برنامه‌ریزی ناحیه‌ای پاسخی به نارسایی‌ها و کاستی‌ها و کوششی در جهت از میان بردن نابرابری‌ها و توسعه یکپارچه روستایی-شهری است (تقوایی و بهاری، ۱۳۹۱: ۱۶). در این‌جا تأکید بر یکپارچگی به معنای یکسان شمردن دو وضعیت روستا و شهر نیست؛ بلکه به معنای پرهیز از نگاه مجرد و نقطه‌ای و تفکیکی (شهر و روستا) است، زیرا قاعدتاً نه فضا و نه توسعه در عرصه‌های عینی قابل تفکیک نیستند و بنابراین پافشاری بر این واقعیت است که در هر گونه ارزیابی و برنامه‌ریزی در عرصه‌های فضایی تعامل شهر و روستا پیوندهایی میان آن‌ها نباید نادیده انگاشته شود (سعیدی، ۱۳۸۹: ۱۰). شهر و روستا با وجود تفاوت‌های ذاتی ساختاری-کارکردی، اجزای تشکیل‌دهنده نظام یکپارچه فضایی به شمار می‌روند. افزایش نابرابری بین شهر و روستا، شهرگرایی شتابان، امنیت غذایی و حاشیه‌نشینی از جمله پدیده‌هایی است که سبب توجه خاص کارشناسان و تصمیم‌سازان به نقش و جایگاه روابط تعاملی شهر و روستا و کوشش در راستای دستیابی به راهبردهای توسعه یکپارچه شده‌اند؛ راهبردهایی که بیشتر متکی بر پویایی روابط شهر و روستا و برقراری پیوندهای روستایی-شهری است (رحمانی فضلی و همکاران، ۱۳۹۴: ۶).

بر این مبنا تحقیق حاضر در صدد است به تبیین عوامل کلیدی توسعه یکپارچه ناحیه‌ای با تأکید بر پیوندهای روستایی-شهری در شهرستان مینودشت واقع در شرق استان گلستان بپردازد. شهرستان مینودشت طبق سرشماری مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۰ دارای ۷۵۶۵۹ نفر جمعیت بوده که تعداد ۲۸۴۷۸ نفر (۳۷/۶۴٪) آن شهری و ۴۷۱۸۱ نفر (۶۲/۳۶٪) روستایی است (سالنامه آماری استان گلستان، ۱۳۹۰). ملاحظه می‌گردد هنوز سهم عظیمی از جمعیت این شهرستان روستانشین است. بسیاری از نیروی کار مورد نیاز شهر مینودشت و شهرهای اطراف از روستاهای دور و نزدیک این شهرستان تأمین می‌شود و یکی از پررنگ‌ترین و مهم‌ترین وجوه تعاملات روستایی-شهری در این ناحیه، مبادله نیروی کار بین روستاها و شهرها و به خصوص حضور نیروی کار روستایی در شهرهاست. در این ناحیه بیشترین فعالیت‌های اقتصادی در بخش کشاورزی صورت می‌گیرد که از دیرباز زمینه‌ساز روابط شهر و روستا و وابستگی نواحی شهری و روستایی به هم بوده است. در دهه‌های اخیر گسترش فعالیت‌های بخش صنعت، معدن و خدمات به این وابستگی و درهم‌تنیدگی فضایی دامن زده است؛ ضمن آن‌که تعاملات اداری با شهر امروزه بخشی لاینفک زندگی روزمره روستاییان شده

است. در نهایت چنانچه به موضوع‌های فوق تعاملات اجتماعی از جمله الگوهای دید و بازدید و همچنین پیوندها و علقه‌های عاطفی و تعلق خاطرهای مکانی را اضافه کنیم پیچیدگی و درهم‌تنیدگی فضاهای زندگی شهر و روستایی بیشتر مشهود می‌گردد. در این راستا در مجموع با توجه به وابستگی و پیوستگی روزافزون و شتابنده نواحی روستایی و شهری نیاز به راهبردها و راه‌کارهایی که منجر به توسعه یکپارچه ناحیه‌ای گردد بیش از پیش آشکار و ضروری شده است. در این راستا نخستین گام شناسایی و تحلیل عوامل مؤثر در توسعه یکپارچه ناحیه‌ای با تأکید بر پیوندهای روستایی- شهری است که در این تحقیق این امر به عنوان مسأله اصلی تحقیق مد نظر قرار گرفته است.

۱. مبانی نظری

توسعه یکپارچه ناحیه‌ای به عنوان شکل واسط برنامه‌ریزی بین سطوح منطقه‌ای تلقی می‌گردد. هدف از این راهبرد یکپارچه شدن کلیه کارکردهای توسعه در سطح ناحیه است. اگر ناحیه کوچک‌تر از منطقه و به عنوان یک شهرستان و یا یک بخش در نظر گرفته شود، سازماندهی برنامه‌ریزی برای اجرای طرح‌های یکپارچه در این سطح آسان‌تر به نظر می‌رسد. دلایلی که برای کاربرد راهبرد توسعه یکپارچه ناحیه‌ای می‌توان بر شمرد بدین شرح است:

۱- استفاده بهتر از سرمایه، نیروی انسانی و عوامل تولید؛ ۲- استخراج بهینه منابع محلی؛ ۳- مشارکت آزادانه مردم در سطح ناحیه نسبت به منطقه؛ ۴- تجانس ناحیه به دلیل کوچکی نسبت به منطقه؛ ۵- همکاری بهتر ارگان‌های مختلف در امر برنامه‌ریزی (زیاری، ۱۳۸۹، ۷۲ و ۷۳). در زمینه توسعه یکپارچه ناحیه‌ای نظریات و رهیافت‌های مختلفی در دهه‌های اخیر مطرح شده است؛ رهیافت توسعه روستاشهری (ناحیه‌ای) که جان فریدمن بنیان‌گذار آن است تلاشی در جهت برداشتن تصادم دیرینه شهر و روستا بوده است و نکته قابل توجه و بسیار کلیدی در آن این است که ناحیه به صورت واحدی یکپارچه تلقی گردد (جمعه‌پور، ۱۳۸۴: ۱۰۸). براساس این رویکرد توسعه روستایی باید در پیوند با توسعه شهری در سطح محلی دنبال گردد. این رهیافت بر گسترش و برنامه‌ریزی توسعه براساس عوامل محلی و ناحیه‌ای تأکید دارند به صورتی که روستاها و شهرها در ناحیه در یک ارتباط محلی قرار می‌گیرند (سلطانی، ۱۳۸۶: ۷۱). مایک داگلاس در ادامه و در سیر تکاملی این رهیافت راهبرد شبکه منطقه‌ای را ارائه می‌دهد. این راهبرد پیوندهای روستایی- شهری و وابستگی‌های مابین آن‌ها را درهم می‌آمیزد و چارچوب سیاست‌گذاری واحدی برای توسعه و برنامه‌ریزی ارائه می‌دهد. راهبرد شبکه منطقه‌ای بر مبنای خوشه‌سازی منطقه‌ای یا شبکه‌ای پایه‌ریزی شده و شامل موارد زیر است:



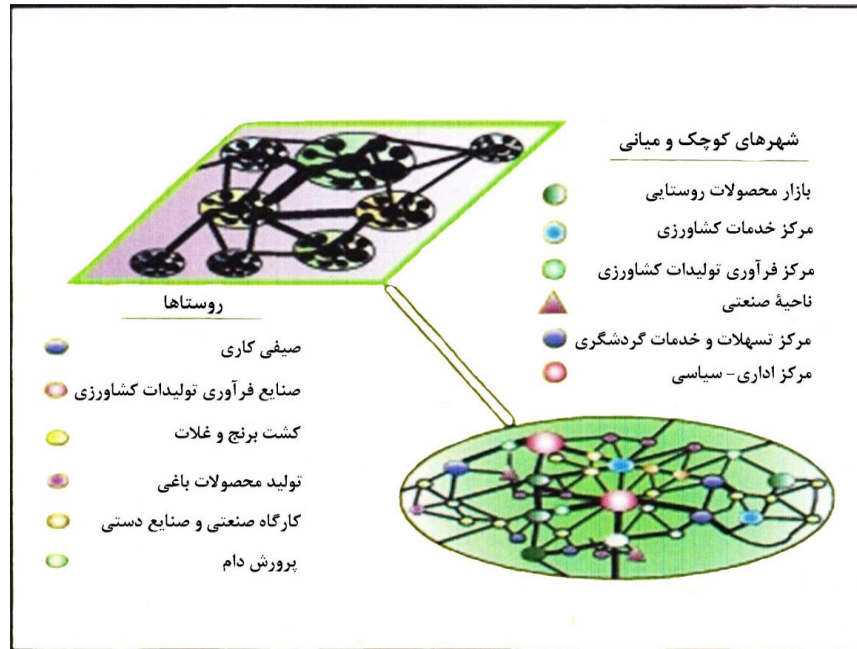
- تمام بخش‌های اقتصادی از قبیل زراعی و غیرزراعی را برحسب شرایط و امتیازات محلی دربر می‌گیرد. واحدهای تولیدی کوچک و متوسط و دارای مرکزیت درون منطقه‌ای مورد توجه ویژه قرار می‌گیرد.
 - نقاط شهری در مدل شبکه‌ای، افقی و شامل چند مرکز و نقاط پیرامونی است که هر یک از تخصص و مزیت نسبی مربوط به خود برخوردار است و نظام سلسله مراتبی و تک مرکزی با تأکید بر حجم جمعیت در این مدل جایی ندارد.
 - در چارچوب این مدل زمینه‌های پیچیده فعالیت‌های روستایی- شهری به تصویر درمی‌آید و محرک رشد منطقه منشاء شهری و روستایی دارد. به نواحی روستایی به صورت نقاطی منفعل و منتظر تراوش به پایین رشد شهری نگاه نمی‌شود. به همین دلیل موضوع رشد حمل و نقل بین سکونت‌گاه‌ها مورد توجه خاص قرار می‌گیرد.
 - از ملزومات اساسی این راهبرد استقرار نظام برنامه‌ریزی غیرمتمرکز، چند سطحی و نظام اداره مردمی است.
 - حوزه‌های اصلی سیاست‌گذاری در قالب این مدل عبارت از تنوع کشاورزی، کشت و صنعت، تولید مصنوعات از منابع محلی، ارائه خدمات شهری، تربیت نیروی انسانی و ایجاد شبکه حمل و نقل درون منطقه‌ای است.
 - توجه به اصل سرزمین در مقابل اصل کارکردی و مفاهیم توسعه از پایین در مقابل توسعه از بالا از مضامین اصلی این رویکرد است (تقی‌زاده و صرافی، ۱۳۸۷: ۸۷).
- این رویکرد حاوی نگرشی نسبتاً متنوع، منعطف و جامع نگر به توسعه منطقه‌ای است که بر هماهنگ‌سازی و ادغام توسعه روستایی و توسعه شهری در مقیاس ناحیه‌ای و محلی استوار شده است. راهبرد شبکه منطقه‌ای بر مجموعه‌ای نامتمرکز و خردمندانه از دخالت سیاسی اصرار می‌ورزد که تنوعات موجود از لحاظ برخورداری از منابع ناحیه‌ای، تقسیم کار بین بخش‌های شهری و روستایی و نیازها و توانمندی‌های توسعه محلی را مورد حمایت قرار دهد. در چارچوب این راهبرد به جای نظام‌های سلسله مراتبی، مرکب از مراکز جمعیتی واقع در سطوح مختلف و براساس کارکرد آن مراکز، مجموعه‌ای مراکز هم‌سطح، به صورت خوشه‌های شبکه‌ای را به وجود می‌آورند که با سایر مراکز براساس فعالیت‌های کلیدی در ارتباط و در معرض کنش و واکنش متقابل و دوسویه خواهد بود. این نوع برنامه‌ریزی با تأکید بر مطالعه و بررسی دقیق جریان‌های بین مراکز مختلف شکل می‌گیرد. به این ترتیب ساختار اصلی نظام فضایی این‌گونه شبکه‌ها را جریان و به تبع آن پیوندها تشکیل می‌دهند، در این راستا چنانچه بتوان جریان‌ها و پیوندهای موجود بین کانون‌های جمعیتی را به درستی به تصویر کشید و روند آتی جریان‌های مختلف

آن‌ها را با توجه به چشم‌اندازهای ملی و جهانی ترسیم کرد، می‌توان امیدوار بود که سیاست‌های مناسب برای توسعه مناطق از قابلیت تدوین برخوردار گردد (سعیدی و تقی‌زاده، ۱۳۸۴: ۲۷). در این نظریه جریان‌های فضایی و تعاملات بخشی بین شهر و روستا به شکل پیوندهای روستایی- شهری نقش بسیار مهمی در توازن شهر و روستا و توسعه یکپارچه ناحیه‌ای دارند و علاوه بر تأمین نیازهای شهری موجب تحولات مثبت اجتماعی و اقتصادی در نواحی روستایی شود (رضوانی و شاهچراغ، ۱۳۹۰: ۱۰۹). مایک داگلاس (۱۹۹۸) خصوصیات پیوندهای روستایی- شهری را چنین بیان می‌کند:

الف- پیوندهای روستایی- شهری متنوع است و گستره آن‌ها حوزه نفوذ شهرهای بزرگ را دربر می‌گیرد. بر این مبنا تجمع شهرها در یک واحد منطقه‌ای توسعه می‌تواند از تنوع فعالیت‌ها و همچنین توان‌های مکمل موجود بین مراکز مختلف و بین هر مرکز و حوزه نفوذ بلافصل آن بهره‌مند گردد. در این چارچوب روابط بین مراکز شهری و روستایی بیشتر افقی، مکمل و دوسویه خواهد بود.

ب- به این ترتیب پیوندهای روستایی- شهری موجود شکل‌گیری شبکه‌های (کوچک) ناحیه‌ای با تراکم متفاوت در سطح منطقه و فراتر از آن می‌شوند که براساس نحوه برقراری جریان کالاها، مردم و... در بین سکونت‌گاه‌ها مورد شناسایی قرار می‌گیرد.

ج- این شبکه‌های مرتبط و به شدت تعاملی با فراهم ساختن سطحی از تجمع و تنوع اقتصادی به مراتب بهتر از یک قطب رشد و یا مناطق کلان‌شهری عمل کنند. کاهش فاصله زمانی بین سکونت‌گاه‌ها به واسطه شبکه‌های نوین ارتباطی و حمل و نقل این امکان را فراهم آورده است که شهرها و روستاها پراکنده و دورافتاده را به یکدیگر پیوند داده، طیف وسیع و مؤثری از تعامل را پدید آورد. بدین‌سان پیوندهای روستایی- شهری مؤید این واقعیت است که توسعه شهری و روستایی به نحوی متقابل و یکپارچه به یکدیگر وابسته‌اند (سعیدی و سلطانی، ۱۳۸۳: ۳۷).



شکل ۱. نمودار نظری شبکه منطقه‌ای و پیوندهای روستایی شهری (منبع سعیدی، ۱۳۹۲، ۱۲)

به طور کلی راهبرد شبکه منطقه‌ای با تأکید بر کاهش فقر و نابرابری‌های فضایی میان شهر و عرصه‌های پیرامونی‌اش، توسعه منطقه‌ای و ناحیه‌ای را در قالب چارچوبی که بر پیوندهای متقابل و مکمل میان عرصه‌های شهری و روستایی استوار است، پیگیری می‌کند. در چارچوب این نظریه روستا و شهر نه به عنوان دو عرصه زیستی جدا از هم و مقابل هم بلکه به عنوان دو جز از یک نظام همبسته و یکپارچه فضایی با نقش‌های مکمل عمل می‌کنند (شریف‌زاده، ۱۳۸۹: ۳۷۳). در این راستا مایک داگلاس تأکید می‌کند برای هر نقشی که از شهر انتظار می‌رود بازی نماید یک نقش ضروری نیز باید به وسیله نواحی روستایی انجام شود (Akkoyunlu, 2015, 17) (جدول ۱).

جدول ۱. پیوندها و وابستگی روستایی- شهری

شهر	روستا
* مرکز حمل و نقل / تجارت کشاورزی	* تولیدات کشاورزی
* خدمات حمایتی کشاورزی	* تقویت کشاورزی
- نهاده‌های تولید	- زیرساخت های روستایی
- خدمات مرمت و بازسازی	- انگیزه‌های تولید
- اطلاعات مربوط به روش‌های تولید (نوآوری)	- آموزش و ظرفیت پذیرش / انطباق نوآوری
* بازارهای مصرف غیرکشاورزی	* درآمد روستایی و تقاضا برای محصولات و خدمات غیرکشاورزی
- فرآوری محصولات کشاورزی	* تولید محصول و تنوع کشاورزی
- خدمات خصوصی	* همه موارد بالا
- خدمات عمومی (سلامت، آموزش و مدیریت)	
* صنایع کشاورزی مینا	
* اشتغال غیرکشاورزی	

Akkoyunlu, 2015, 27

این رهیافت در سالیان اخیر به شدت مورد توجه سازمان‌های بین‌المللی و محققان مختلف قرار گرفته است؛ به طوری که بانک جهانی^۱ (۲۰۰۶) تأکید می‌نماید که بی‌توجهی به پیوندهای روستایی- شهری به ناکارآمدی‌ها و نابرابری‌ها منجر می‌شود؛ گزارش پایش جهانی^۲ (۲۰۱۳) بر اهمیت نقش پیوندهای روستایی- شهری برای کاهش فقر تأکید می‌کند. سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی^۳ (۲۰۱۳) رویکرد مشارکت روستایی و شهری را جهت توسعه اقتصادی اتخاذ کرده و معتقد است این رویکرد به توسعه اقتصادی از طریق افزایش تولید کالاهای عمومی، دستیابی به مقیاس اقتصادی در خدمات عمومی، توسعه فرصت‌های جدید اقتصادی و ظرفیت‌سازی، بهبود مدیریت و در نظر گرفتن اثرات جانبی منفی و... کمک می‌کند. دائور^۴ (۲۰۱۳) نقل می‌کند که کنوانسیون روستایی و کشاورزی ۲۰۲۰ به پیوندهای روستایی- شهری برای رشد و توسعه پایدار و فراگیر به عنوان یک نگرش فضایی می‌نگرد. کاپوس^۵ (۲۰۱۳) پیوندهای فضایی شهری- روستایی را جریان‌هایی از مردم، افراد، کالاها، پول، اطلاعات و... بین مراکز شهری و مناطق روستایی تعریف می‌کند و آن‌ها را پیشران‌های مهم در فعالیت‌های اقتصادی می‌داند.

1. World Bank
2. Global Monitoring Report
3. Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD)
4. Dower
5. Copus



۲. پیشینه تحقیق

بررسی و مطالعه سیر تحول نظریات فضایی- مکانی مربوط به توسعه ناحیه‌ای و روابط شهر و روستا نشان می‌دهد که این نظریات در گذر زمان دچار تحولی بنیادین شده‌اند و از نگرش‌های شهر محور به سوی نظریات شبکه محور و خوشه‌گرا تغییر یافته است.

جدول ۲. برخی نظریه‌های مکانی- فضایی مهم در زمینه توسعه ناحیه‌ای و روابط شهر و روستا

مرکز- پیرامون و قطب رشد	تأکید بر سرمایه‌گذاری در صنایع پیشرو در شهرهای بزرگ، زایش توسعه در شهر به عنوان مرکز و جریان توسعه به حوزه‌های روستایی پیرامون
راندینلی	تأکید بر سلسله مراتب سکونت‌گاه‌های شهری، توجه به شهرهای میانی و کوچک و نقش آن‌ها در توسعه روستایی، تمرکززدایی
استور و تیلور	تأکید بر توسعه پایین به بالا و یکپارچه، تأمین نیازهای اساسی با استفاده از منابع انسانی و طبیعی، دگرگونی‌های در شیوه زندگی، افاضه قدرت به حوزه‌های روستایی
نظریه شبکه	تأکید بر فعالیت‌های پیچیده ناحیه شهر و روستا در کلیه بخش‌ها به اتکای توانمندی‌های محل، ترکیبی از مراکز متعدد و پسرانه‌های آن‌ها از طریق پیوندهای افقی و رشد توأم مناطق شهری و روستایی در طول کریدورهای ارتباطی درون سکونت‌گاه‌های محلی
نظریه خوشه‌گرا	تأکید بر زنجیره‌ای از پیوندهای عمودی متقابل میان فرایندهای مراکز شهری و روستایی در یک محیط جغرافیایی همگرا به لحاظ منافع رقابتی و تخصصی

ماخذ: آذرباد و همکاران، ۱۳۹۳، ۷۸

امروزه با توجه به درک روزافزون یکپارچگی عرصه‌های شهری و روستایی تأکید بسیاری بر توسعه یکپارچه ناحیه‌ای و پیوندهای روستایی- شهری می‌شود که تحقیق حاضر نیز در این قالب طراحی و سعی شده است با نگاهی فارغ از تعصبات شهری و روستایی رایج در مطالعات ناحیه‌ای به موضوع تحقیق ورود نماید و ناحیه را به صورت یک کل یکپارچه مطالعه نماید و در این راستا با تأکید بر پیوندهای روستایی- شهری به شناسایی و تحلیل عوامل مؤثر در توسعه یکپارچه ناحیه‌ای بپردازد. در سالیان اخیر گرایش به این رویکرد در تحقیقات جغرافیایی روبه افزایش بوده است که در ذیل به چند نمونه از آن اشاره می‌شود.

سیسیلیا تاکولیز (۱۹۹۸) از محققین برجسته‌ای است که در زمینه تعاملات شهر و روستا پروژه‌های تحقیقاتی متعددی را در آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین همراهی کرده است؛ از دیدگاه او تعاملات میان شهر و روستا به دو گروه کلی تقسیم می‌شود: ۱- تعاملات فضایی (در خلال فضا): نظیر جریان‌های افراد، کالاها، پول، اطلاعات و مواد زاید. پویایی پدیده‌ها در فضا به

واسطه مبادلات و تغییر شکل‌ها و نقل و انتقال‌هایی صورت می‌گیرد که به صورت جریان مواد خام، انرژی، حرکات جمعیت، اموال و سرمایه‌ها و... خود را نشان می‌دهد. ۲. تعاملات بخشی (در سطح بخش‌ها): شامل فعالیت‌های روستایی که در نواحی شهری جریان دارند مانند کشاورزی شهری یا فعالیت‌هایی که اغلب به عنوان شهری طبقه‌بندی می‌شوند، اما در نواحی روستایی جریان می‌یابند، نظیر صنعت و خدمات می‌شود. داگلاس (۱۹۹۸) حاصل مطالعات خود در کشور اندونزی را در مقاله‌ای با عنوان استراتژی ایجاد شبکه منطقه‌ای به منظور تقویت پیوندهای میان شهر و روستا مطرح می‌کند. این مقاله نتیجه‌گیری می‌نماید به منظور ایجاد و تحکیم چرخه مطلوب توسعه و پایدار ساختن آن باید بر هفت جنبه اصلی و تعیین‌کننده برنامه‌ریزی اقتصاد منطقه‌ای تأکید شود: ۱- بازاریابی تولیدات، ۲- خدمات مربوط به ارائه اطلاعات، ۳- توزیع نهاده‌ها، ۴- بازاریابی سرمایه، ۵- بازاریابی نیروی انسانی، ۶- زیرساخت‌های فیزیکی، ۷- زیرساخت‌های حمل و نقل. اوکپالا^۶ (۲۰۰۳) در مقاله‌ای ترویج پیوندهای مثبت روستایی- شهری را رویکردی در راستای ایجاد اشتغال و توسعه پایدار معرفی می‌کند. او در این مقاله تأکید می‌دارد که امروزه به طور گسترده‌ای وابستگی‌های متقابل اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی نواحی روستایی و شهری مشخص شده و نیاز به رویکرد حمایتی متعادل و دوسویه جهت توسعه هر دو ناحیه مورد توجه است. در این راستا رویکرد پیوندهای روستایی- شهری که به طور روزافزونی مورد پذیرش و توجه است. در این رویکرد ضرورت دارد که حکومت‌ها در سطوح مختلف ملی یا مرکزی، در سطح شهرهای بزرگ، میانه، کوچک و همچنین نواحی روستایی پتانسیل‌های توسعه پیوندهای روستایی- شهری مورد شناسایی قرار دهند. باو^۷ (۲۰۰۷) در مقاله‌ای با عنوان توسعه یکپارچه روستاشهری در شهر چنگدو: از امکان تا پایداری بیان می‌دارد که توسعه یکپارچه روستاشهری می‌تواند مشکلات ساختاری ناشی از دونل دیرینه شهر و روستا در چین را برطرف سازد. او این مشکلات را این چنین دسته‌بندی می‌کند: ۱- فقدان برنامه‌ریزی یکپارچه روستاشهری؛ ۲- بهتر بودن زیرساخت‌های نواحی شهر از پیرامون؛ ۳- سیستم تعهد خدمات عمومی نامتعادل؛ ۴- عدم پوشش سیستم ضمانت اجتماعی بر نواحی بیرون از شهر؛ ۵- منحصر بودن سیستم ثبت آمار مربوط به خانوار تنها به ثبت مهاجرت‌های روستاشهری؛ ۶- عدم کارایی سازمان‌های خودمختار اولیه؛ ۷- عدم تعادل بین توسعه شهری و روستایی. تاکولی و ریچارد^۸ (۲۰۱۰) در تحقیقی با عنوان بررسی تحرک و مهاجرت در بافت پیوندهای روستایی- شهری نتیجه‌گیری می‌کنند در مقیاس خرد پیوندهای روستایی- شهری

6. Okpala

7. Bao

8. Tacoli and Richard



ابزاری مهم برای درک پیچیدگی‌های معاش مردم و استراتژی‌های معیشتی آن‌هاست که تحرک، مهاجرت، تنوع منابع درآمدی و اشتغال را دربرمی‌گیرد. از این تحرک و مهاجرت وجوه ارسالی منتج می‌گردد که بیشتر خانوارهای روستایی بدان وابسته است. همچنین سطوح بالای چند فعالیتی در نتیجه تنوع اشتغال و درآمد وقتی که افراد و خانوارهای روستایی فعالیت‌های کشاورزی و غیرکشاورزی را ترکیب می‌نمایند، حاصل می‌گردد. این امر در مورد جوانان و افراد مجرد در روستاها و نواحی پیراشهری بیشتر صادق است. در مقیاس کلان تقاضای ایجاد شده به وسیله بازارهای شهری برای تولیدات روستایی حیاتی است و به طور مشابه بازارهای شهر محور که تولیدات روستایی را به بازارهای ملی و منطقه‌ای پیوند می‌دهند. ایرا داس^۱ (۲۰۱۳) در تحقیقی با عنوان پیوندهای روستایی- شهری برای توسعه اقتصاد روستایی با رویکرد ماتریس حسابرسی اجتماعی به مطالعه ناحیه آسان واقع در شمال شرق هند پرداخته است. این تحقیق نتیجه‌گیری می‌کند جهت توسعه اقتصاد روستایی تقویت پیوند بین نواحی شهری و روستایی بسیار مهم است. در این راستا حمایت بیشتر از صنایع فراوری مواد غذایی در ناحیه مورد مطالعه می‌تواند منجر به کاهش شکاف شهر و روستا و اطمینان از توسعه اقتصاد روستایی گردد. مایک داگلاس (۲۰۱۳) در تحقیق با عنوان برنامه‌ریزی منطقه‌ای یکپارچه برای توسعه پایدار در آسیا: نوآوری‌هایی در حکروایی مادرشهرها، نواحی روستایی- شهری و مناطق ساحلی فرامرزی نتیجه‌گیری می‌کند در محیط‌های کشاورزی پیوندهای متقابل روستایی- شهری می‌تواند از طریق رویکردهای توسعه منطقه‌ای با به وجود آوردن اثرات فزاینده محلی به واسطه ایجاد فرم‌های جدیدی از معیشت‌های غیرکشاورزی بهبود یابد. اکویونلا^۲ (۲۰۱۵) در تحقیقی با عنوان پتانسیل‌های پیوندهای روستایی- شهری برای تجارت و توسعه پایدار، مشکلات زیربنایی، محدودیت‌های سازمانی و موانع تجاری که منجر به تضعیف پیوندهای مناطق شهری و روستایی و ایجاد مانع در فرایند توسعه روستایی و اقتصادی می‌گردد را بررسی و مطالعه می‌نماید. این تحقیق نتیجه‌گیری می‌کند که پیوندهای روستایی شهری نقش حیاتی در ایجاد درآمد، اشتغال و رفاه دارد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که نواحی روستایی و شهری خوشه‌ای شده در قالب واحدهای برنامه‌ریزی منطقه‌ای ممکن است توانمندسازی محیطی را برای شبکه‌های تجاری در حال گسترش و مبادله دانش بین شهر و نواحی پیرامونی ایجاد نماید.

بهشتی و زالی (۱۳۹۰) در تحقیقی با عنوان شناسایی عوامل کلیدی توسعه منطقه‌ای با رویکرد برنامه‌ریزی سناریو مبنا در استان آذربایجان شرقی پرداخته‌اند. در این مقاله ابتدا با

1. Ira Das
2. Akkoyunlu

استفاده از روش دلفی ۷۵ عامل به عنوان عوامل دخیل در توسعه منطقه‌ای استان آذربایجان شرقی شناسایی و وارد ماتریس تحلیل اثرات متقاطع شده است که نتایج حاصل از این ماتریس سیزده عامل از جمله شیوه مدیریت، تحقیق و توسعه، منطقه آزاد ارس، میزان جمعیت، امنیت سرمایه‌گذاری و... را به عنوان عوامل کلیدی و پیشران نشان می‌دهد. سعیدی و همکاران (۱۳۹۱) در تحقیق به مطالعه تطبیقی موانع شکل‌گیری پیوندهای روستایی- شهری در نواحی مرودشت (فارس) و کوه‌دشت (لرستان) پرداخته‌اند. این تحقیق نتیجه‌گیری می‌نماید که پیوندهای روستایی- شهری به واسطه مجموعه‌ای از جریان‌ها مشخص می‌گردند؛ این‌گونه جریان‌ها عبارت از جریان افراد، کالاها، نوآوری، فناوری و سرمایه است. دامنه و شدت این جریان‌ها هر چند به مناسبات تاریخی و درجه توسعه‌یافتگی نواحی بستگی دارد، اما سیاست‌های عمرانی می‌توانند نقش مؤثری در معنی‌دار کردن آن‌ها برعهده گیرند. به سخن دیگر سیاست‌ها و برنامه‌های سنجیده و متناسب می‌توانند در برپایی پیوندها و اصلاح روابط به نحوی مؤثر و کارآمد اثربخش گردند و به تعدیل تفاوت‌ها و نابرابری‌های روستایی- شهری بیانجامند. با این وجود دوام مناسبات سنتی فضایی و پایایی روابط دیرپای شهر و روستا در برخی نواحی، مانع از شکل‌گیری پیوندهای کارآمد روستایی- شهری شده است. شفیع‌ناب و اسماعیل‌زاده (۱۳۹۳) در تحقیقی با عنوان پیوندهای روستایی- شهری، شبکه بازارهای دوره‌ای و توسعه ناحیه‌ای به مطالعه سکونت‌گاه‌های پیرامونی کلان‌شهر تهران پرداخته است. در این راستا برای سنجش عوامل مؤثر بر شکل‌پذیری شبکه بازارهای دوره‌ای، پنج شاخص اندازه جمعیت، سهم عمده فروشندگان شهری، سهم فروشندگان دوره‌گرد شهری و روستایی، سهم محصولات کشاورزی و غیرکشاورزی و سهم شبکه حمل و نقل درون ناحیه‌ای انتخاب شده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد اندازه جمعیت و ایفای نقش همگرای فروشندگان دوره‌گرد شهری و روستایی در ارتباط با گسترش شبکه حمل و نقل درون ناحیه‌ای در برپایی و دوام شبکه بازارهای دوره‌ای روستایی- شهری و توسعه ناحیه‌ای اثر گذار است. زالی و زمانی‌پور (۱۳۹۴) در تحقیقی به تحلیل سیستمی متغیرهای راهبردی توسعه منطقه‌ای در برنامه‌ریزی سناریو مبنا استان مازندران پرداخته‌اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد متغیرهای کلیدی راهبردی توسعه استان مازندران شامل شیوه مدیریت کلان کشور، تورم، شیوه مدیریت استان، تحقیق توسعه، سطح فناوری اطلاعات، جمعیت و همکاری‌های بین‌نهادی است.

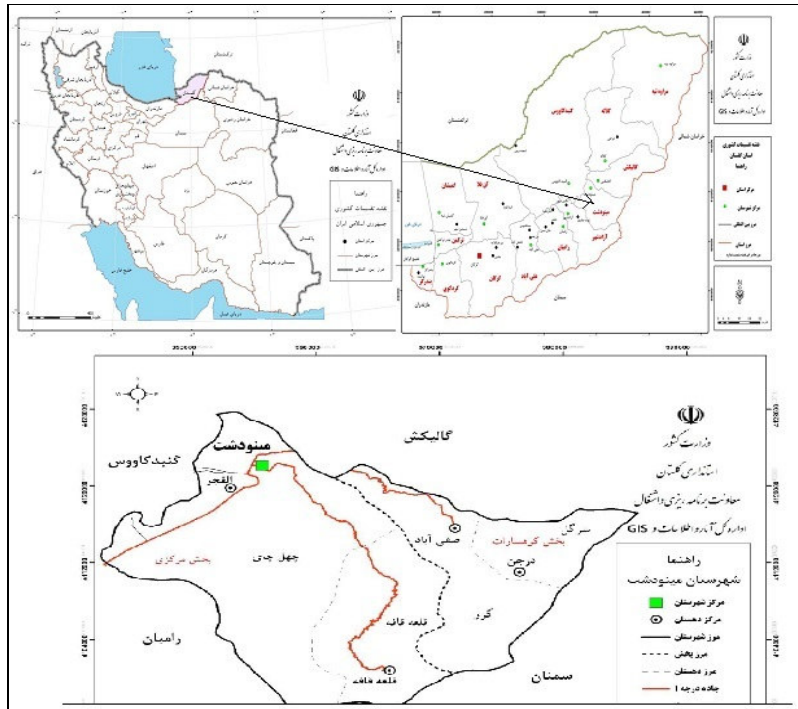
۳. معرفی ناحیه مورد مطالعه

شهرستان مینودشت با ۲۵۷/۱۵۷۶ کیلومتر مربع مساحت در شرق استان گلستان واقع شده است که از شمال به جمهوری ترکمنستان و از جنوب با استان سمنان و از شرق با استان خراسان شمالی و از غرب با شهر گنبد کاووس ارتباط دارد. فاصله این شهرستان با مرکز استان (گرگان) ۱۱۶ کیلومتر است. این شهرستان دارای ۲ بخش (مرکزی و کوهسارات)، ۱ شهر و ۴ دهستان (چهل چای، قلعه قافه، سرگل و گرو) و ۷۲ روستاست (سالنامه آماری استان گلستان ۱۳۹۰).

جدول ۳. مشخصات جمعیتی شهرستان مینودشت

شهرستان	بخش	مرکز ت	دهستا ن/شهر	مرکزیت	تعداد روستاها	تعداد خانوار	تعداد جمعیت	بعد خانوار
مینودشت	کوهسارات	روستای	سرگل	درجن	۷	۱۲۷۱	۴۶۶۴	۳,۶۷
		دوزین	گرو	صفی آباد	۱۱	۲۹۹۳	۱۱۰۸۱	۳,۷
	مرکزی	شهر مینودشت	چهل چای	القجر	۳۹	۷۴۲۵	۲۶۳۹۲	۳,۵۵
			قلعه قافه	قلعه قافه بالا	۱۵	۱۴۰۵	۵۰۲۸	۳,۵۷
			مینودشت	مینودشت	-	۷۷۷۶	۲۸۴۷۸	۳,۶۶
	جمع							
					۲۰۸۷۰	۷۵۶۴۳	۳,۶۲	

(منبع سالنامه آماری استان گلستان، ۱۳۹۰)



نقشه ۱. موقعیت شهرستان مینودشت در استان گلستان

۴. روش تحقیق

تحقیق حاضر به لحاظ ماهیت کاربردی بوده و از حیث روش توصیفی- تحلیلی است؛ اطلاعات مورد نیاز آن از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی گردآوری شده است. نخستین گام در این تحقیق شناخت وضع موجود به لحاظ پیوندهای روستایی- شهری و میزان قرارگیری سکونت‌گاه‌ها در فضای جریان هاست. بدین منظور با استفاده از ماتریس جریان و بر مبنای شش شاخص (جابه‌جایی افراد جهت دید و بازدید به صورت هفتگی، جهت خدمات‌گیری به صورت هفتگی، جهت کار به صورت روزانه، جابه‌جایی کال، پول و تبادل ایده و دانش به صورت روزانه) وضعیت قرارگیری سکونت‌گاه‌های مورد مطالعه در فضای جریان‌ها، که در واقع نشان‌دهنده وضعیت پیوندهای روستایی- شهری است، سنجش و رتبه‌بندی شد. در این بخش پرسش‌نامه ابزار اصلی گردآوری داده بوده است. روایی این پرسش‌نامه هم به لحاظ ظاهر و هم به لحاظ محتوی توسط ۱۰ تن از افراد خبره و متخصص (شامل استادان، کارشناسان ارشد و دکتری در رشته‌های مرتبط) مورد تأیید قرار گرفت؛ همچنین پایایی آن با استفاده از ضریب



آلفای کرونباخ به وسیله نرم افزار آماری spss سنجیده شد که ضریب به دست آمده ۰,۸۳ و نشان دهنده پایایی مطلوب است. سطح تحلیل در این قسمت از تحقیق، سکونت گاهای شهری و روستایی شهرستان مینو ۸۳/۰ دشت مشتمل بر یک شهر و ۷۲ روستا بوده و واحد تحلیل تعداد خانوار ساکن در آن (براساس آمار سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰، تعداد ۲۰۸۷۰ خانوار در محدوده مورد مطالعه ساکن) است. ابتدا با استفاده از روش نمونه گیری کوکران حجم نمونه آماری ۳۷۷ خانوار برآورد شد. لازم به یاد است N در فرمول کوکران نشان دهنده حجم جامعه آماری، P مقدار نسبت صفت موجود در جامعه است که اگر در اختیار نباشد می توان آن را ۰,۵ در نظر گرفت. در رابطه زیر این صفت قرارگیری در فضای جریان هاست. q درصد افرادی که فاقد آن صفت در جامعه هستند. t درصد خطای معیار ضریب اطمینان قابل قبول و d درجه اطمینان یا دقت احتمالی مطلوب است. هرگاه مقدار p و q ۰,۵ در نظر گرفته شود، مقدار t ۱,۹۶ و مقدار d ۰,۰۵ است.

فرمول کوکران:

$$\frac{\frac{t^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left(\frac{t^2 pq}{d^2} - 1 \right)} \Rightarrow \frac{\frac{1/96^2 \times 0/5 \times 0/5}{0/05^2}}{1 + \frac{1}{20870} \left(\frac{1/96^2 \times 0/5 \times 0/5}{0/05^2} - 1 \right)} \rightarrow 377$$

در ادامه متناسب با توجه به تعداد خانوارهای روستایی و شهری ساکن در ناحیه مورد مطالعه (تعداد خانوار روستایی ساکن در ناحیه مورد مطالعه ۱۳۰۹۴ و تعداد خانوار شهری ۷۷۷۶ است)، سهم خانوارهای روستایی ۲۳۷ و سهم خانوارهای شهری ۱۴۰ تعیین شد و مقرر شد نمونه ها از بین سرپرستان خانوار به روش تصادفی (احتمالی) انتخاب شده و پرسش نامه ها توسط آن ها تکمیل گردد بدین ترتیب اصل شانس برابر برای انتخاب افراد جامعه جهت عضویت در نمونه رعایت می گردد و نتایج این نمونه ها قابلیت تعمیم به کل جامعه مورد نظر را خواهد داشت.

با توجه به این که شهر مینودشت تنها شهر ناحیه مورد مطالعه است تمام نمونه های مربوط به خانوارهای شهری از این شهر انتخاب شدند؛ در این راستا از آن جا که امکان تهیه چارچوب نمونه گیری (فهرست تمامی اعضای جامعه آماری) وجود نداشت ابتدا از روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای - فضایی استفاده شد بدین ترتیب که کل شهر برحسب تقسیمات محله ای کدگذاری شد و در مرحله بعد به صورت تصادفی تعدادی از محلات انتخاب و سپس بلوک های موجود در این محلات کدگذاری و سپس تعدادی بلوک به عنوان نمونه انتخاب و در نهایت نمونه های آماری به روش تصادفی ساده (با استفاده از روش منظم یا سیستماتیک) از بین سرپرستان خانوار این بلوک ها انتخاب گردیدند؛ اما در مورد سکونت گاه های روستایی با توجه به

تعداد آن‌ها، ابتدا از روش نمونه‌گیری تصافی طبقه‌بندی شده استفاده شد؛ بدین ترتیب که ابتدا با نظر گرفتن ملاحظات چون تقسیمات سیاسی- اداری، موقعیت استقرار و ترکیب قومیتی روستاها، چهارده روستا (معادل ۲۰٪ روستاهای دارای سکنه در ناحیه مورد مطالعه) به عنوان روستاهای نمونه انتخاب و سپس متناسب با تعداد خانوار ساکن در آن‌ها، تعداد نمونه مربوط به هر روستا مشخص شد^۱ و سپس در مرحله بعد با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای- فضایی و روش نمونه‌گیری تصادفی ساده نمونه‌ها از بین سرپرستان خانوار انتخاب شدند. بر این اساس در مورد روستاهایی که از تعداد بالای خانوار برخوردارند و امکان تهیه چارچوب نمونه‌گیری (فهرست تمامی اعضای جامعه آماری) وجود نداشت (مانند القجر، دوزین، قلعه قافه و...) مانند شهر مینودشت ابتدا از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای- فضایی استفاده و سپس از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده با استفاده از روش منظم یا سیستماتیک نمونه‌ها انتخاب گردیدند، ولی در مورد روستاهای که از تعداد خانوار کمتری برخوردارند و امکان به دست آوردن چارچوب نمونه‌گیری با همکاری دهیاری روستا مهیا بود مستقیماً از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده با استفاده از روش منظم یا سیستماتیک نمونه‌ها انتخاب شدند^۲.

جدول ۴. مشخصات سکونت‌گاه‌های مورد مطالعه و تعداد نمونه‌های آماری

شهر/ روستا	تقسیمات سیاسی	موقعیت جغرافیایی	ترکیب قومیتی	تعداد خانوار	جمعیت	تعداد نمونه برآورد شده	تعداد نمونه انتخاب شده
شهر مینودشت	بخش مرکزی	دشتی	فارس- ترک- سیستانی- بلوچ- ترکمن	۷۷۷۶	۲۸۴۷۸	۱۴۰	۱۳۸
روستای دوزین	گرو	کوهستانی	فارس	۱۴۸۴	۵۷۸۵	۷۴	۷۳
روستای القجر	چهل چای	دشتی	ترک و فارس	۱۳۵۰	۴۸۹۳	۶۸	۶۶
روستای قلعه	قلعه قافه	کوهستانی	فارس	۳۸۶	۱۵۹۶	۲۰	۱۹

۱. برای نمونه از آن‌جا که تعداد خانوار روستای دوزین ۱۴۸۴ است، تعداد نمونه اختصاص یافته به این روستا با تناسب زیر محاسبه شد. تعداد خانوارهای ساکن در روستاهای نمونه: ۴۷۴۷ خانوار کل حجم نمونه روستایی برآورد شده: ۲۳۷ نفر تعداد خانوار روستای دوزین: ۱۴۸۴ خانوار

$$\frac{237 * 1484}{4747} \rightarrow 74$$

بدین ترتیب تعداد نمونه روستای دوزین ۷۴ نفر برآورد گردید

۲. در طی فرایند انجام نمونه‌گیری در مواردی تعداد نمونه‌ها به اندازه چند نفر کم و یا زیاد شد؛ دلیل این امر اطمینان از این مسأله بود که نمونه‌ها به خوبی می‌توانند گویایی وضعیت جامعه آماری باشند؛ در این راستا از نمونه‌های برآورد شده برای سکونت‌گاه‌هایی مانند شهر مینودشت و یا روستاهای دوزین، القجر، قلعه قافه و کلاسره که از تعداد بالاتری نسبت به بقیه سکونت‌گاه‌ها برخوردار بودند، یک یا دو نفر کاسته شد و بر تعداد نمونه‌های پنج روستای ساسنگ، درورک، طول آرام، چمانی پایین و باقرآباد که حجم نمونه برآورد شده آن‌ها کمتر از ۵ نفر بود و احتمال آن می‌رفت که تعداد نمونه برآورد شده به خوبی نتواند گویایی واقعیت جامعه آماری آن روستا باشد، افزوده شد و بدین ترتیب حجم نمونه انتخابی این روستاها به ۵ نفر ارتقا داده شد.



							قافه
۱۹	۲۰	۱۵۰۹	۳۹۷	فارس	کوهستانی	سرگل	روستای کلاسره
۱۳	۱۳	۸۳۴	۲۶۰	ترک	کوهستانی	چهل چای	روستای تخت
۱۰	۱۰	۶۶۱	۲۰۹	فارس	کوهپایه ای	گرو	روستای پرنگل
۹	۹	۷۷۶	۱۸۲	سیستانی و بلوچ	دشتی	چهل چای	روستای دشت حلقه
۵	۵	۴۹۴	۱۰۹	سیستانی و بلوچ	دشتی	چهل چای	روستای شرکت صحرا
۵	۵	۴۲۰	۱۰۸	سیستانی	دشتی	چهل چای	روستای سنچولی اباد
۵	۴	۲۵۳	۸۴	فارس	کوهستانی	چهل چای	روستای ساسنگ
۵	۳	۲۱۰	۶۱	فارس و ترک	کوهپایه ای	قلعه قافه	روستای دروک
۵	۳	۱۹۱	۵۳	فارس و ترک	کوهپایه ای	چهل چای	روستای طول آرام
۵	۲	۱۴۱	۴۱	فارس و ترک	کوهپایه ای	چهل چای	روستای چمانی پایین
۵	۱	۸۱	۲۳	فارس	کوهپایه ای	چهل چای	روستای باقراباد
۲۸۲	۳۳۷	۴۶۳۲۲	۱۲۵۲۳	مجموع			

(منبع سالنامه آماری سال ۱۳۹۰ و مطالعات میدانی، ۱۳۹۵)

گام دوم در این تحقیق شناسایی و تحلیل عوامل مؤثر در توسعه یکپارچه ناحیه‌ای با تأکید بر پیوندهای روستایی- شهری در شهرستان مینودشت است. جهت شناسایی این عوامل مؤثر ابتدا از روش طوفان مغزی استفاده شد. جهت پیاده‌سازی این روش گروهی با عنوان توسعه یکپارچه مینودشت در شبکه مجازی تلگرام راه‌اندازی شد و سپس با دعوت از کارشناسان و متخصصین ناحیه مورد مطالعه، اقدام به عضوگیری هدفمند در این کانال شد به گونه‌ای که تعداد اعضای این کانال به ۲۵ نفر رسید که عمدتاً این افراد دارای تحصیلات بالای کارشناسی بوده و در زمینه موضوع و ناحیه مورد مطالعه دارای تخصص و دانش بودند. در این کانال طی ۱۰ شب در ساعتی مشخص اعضای گروه به مدت یک ساعت نظرات خود را در مورد توسعه یکپارچه ناحیه‌ای شهرستان مینودشت و عوامل مؤثر بر آن در حوزه‌های مختلف به اشتراک گذاشتند. از اطلاعات به دست آمده از طریق این روش جهت ورود به روش دلفی استفاده شد. روش دلفی در این تحقیق با مشارکت ۱۲ نفر از کارشناسان و متخصصین استفاده شد. این دلفی در دو دور انجام شد و از نتایج آن که گویایی عوامل مؤثر بر توسعه یکپارچه ناحیه‌ای با تأکید بر پیوندهای روستایی- شهری بود، جهت تشکیل ماتریس اثرات متقاطع استفاده شد.

ماتریس تشکیل شده در این تحقیق با مشارکت ۵۰ نفر از دانشجویان، دانش‌آموختگان و یا کارشناسان و مدیران اجرایی شهرستان مینودشت تکمیل شد. در جهت بالا رفتن دقت و صحت اطلاعات گردآوری شده از هر کارشناس و یا مدیر درخواست شد در حوزه مرتبط با تخصص خود پاسخ دهد. سپس نتایج حاصل از این ماتریس در نرم‌افزار میک مک قرار داده شد و بر مبنای آن تجزیه و تحلیل و نتیجه‌گیری انجام شد. در این قسمت در جهت ارائه درکی بهتر از فرایند انجام تحقیق ابتدا به صورت گذرا این تکنیک‌ها معرفی می‌گردد و سپس چگونگی اجرای آن‌ها در این تحقیق تشریح می‌شود.

۵-۱- روش طوفان مغزی

این روش بر دو اصل تنوع نظرات و تأکید بر کمیت نظرات استوار است. ایده‌سازی، ایده‌یابی و راه‌حلیابی از مهم‌ترین اهداف این روش است. فرآیند طوفان فکری با یک گروه ۶ تا ۱۲ نفره، یک سرپرست یا هماهنگ‌کننده، یک منشی سرو کار دارد و همه آن‌ها در خلق نامحدود ایده‌ها درباره موضوعی معین دخیل هستند. سرپرست یا رهبر مسأله را برای گروه ترجیحاً پیش از تشکیل جلسه طوفان فکری تعریف می‌کند. گروه به صورت تعاملی و با رعایت چهار قانون طوفان فکری به شرح زیر راه‌حل‌های خود را برای مسأله پیشنهاد می‌کند: الف- هیچ قضاوتی درباره هیچ پیشنهادی انجام نمی‌شود. ب- کلیه نظرات حتی نظرات پوچ و غیرعملی، مورد استقبال قرار می‌گیرند. ج- کمیت ایده‌ها هدف اصلی است، زیرا به کیفیت می‌انجامد. د- ایده‌ها را می‌توان ترکیب، اصلاح و انتخاب کرد. درنهایت پس از ۲۵ تا ۳۵ دقیقه گروه استراحت می‌کند و سپس برمی‌گردد و ایده‌ها را نقد می‌کند (هیگینز، ۱۳۹۴).

۵-۲- روش دلفی

روش دلفی شامل یک پیمایش دو یا چند دوری است که در دور دوم نتایج دور اول در دسترس مشارکت‌کنندگان قرار می‌گیرد به طوری که آن‌ها بتوانند در صورت تمایل ارزیابی‌های اولیه خود را تعدیل کنند یا به نظرات پیشین خود مطالبی اضافه کنند. ایده اصلی در طراحی روش دلفی این است که پاسخ‌دهندگان بتوانند بدون آن‌که تحت تأثیر افراد معتبر و مشهور و افرادی که قدرت سخنوری خوبی در جلسات دارند قرار بگیرند، دیدگاه‌های خود را بیان کنند. بدین ترتیب گمنامی و بازخورد نظرات دو عنصر ضروری در دلفی است. یکی از مزایای این روش این است که کارشناسان و متخصصان زمانی که به واسطه دلایل قانع‌کننده به اشتباه نظر خود پی می‌برند، بدون از دست دادن اعتبار و وجهه‌شان می‌توانند در نظرات خود تجدید نظر نمایند



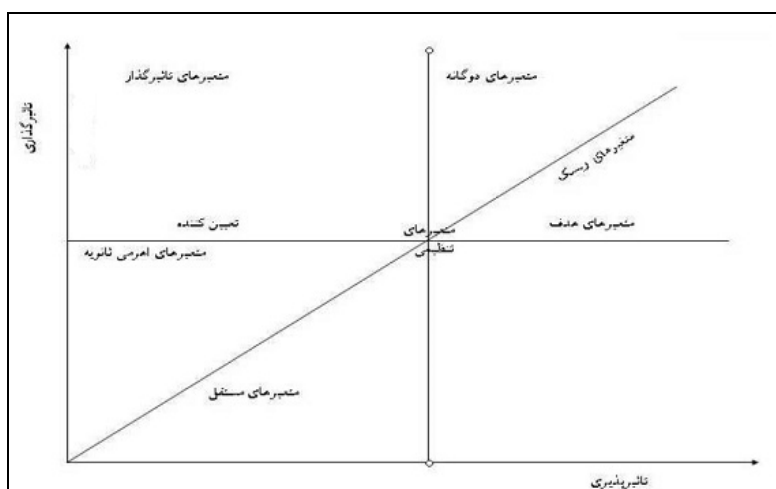
(یونیدو^۳، ۹۹:۲۰۰۴) مراحل این روش عبارت از تعیین عنوان یا موضوعی مورد بررسی است؛ تهیه پرسش‌نامه به عنوان ابزاری برای گردآوری داده‌ها؛ گزینش متخصصانی مرتبط با موضوع؛ سنجش مقدماتی آرا؛ سازماندهی مقدماتی داده‌ها؛ بازخورد دور اول به متخصصان؛ سنجش دوباره دیدگاه‌ها پس از آگاهی پاسخ‌دهندگان از یافته‌های مقدماتی نظرسنجی، تحلیل، تفسیر داده‌ها و گزارش پایانی است (گردن^۴، ۴:۲۰۰۹).

۵-۳- ماتریس تحلیل اثرات متقاطع (نرم‌افزار میک مک)

این روش نتیجه پاسخ به این پرسش ساده است: آیا پیش‌بینی می‌تواند بر پایه درک چگونگی اثرات حوادث آینده باشد؟ نرم‌افزار میک مک جهت محاسبات این ماتریس طراحی شده است. روش این نرم‌افزار بدین‌گونه است که ابتدا متغیرها و مؤلفه‌های مهم در حوزه مورد نظر را شناسایی کرده و سپس آن‌ها را در ماتریس اثرات وارد کرده و میزان ارتباط میان این متغیرها با هم توسط خبرگان تشخیص داده می‌شود. متغیرهای موجود در سطرها بر متغیرهای موجود در ستون‌ها تأثیر می‌گذارند. بدین ترتیب متغیرهای سطرها، تأثیرگذار و متغیرهای ستون‌ها تأثیرپذیر است (گدت^۵، ۶۱:۲۰۰۸). میزان ارتباط با اعداد صفر تا سه سنجیده می‌شود. عدد صفر به منزله بدون تأثیر، عدد یک به منزله تأثیر کم، عدد دو تأثیر متوسط و عدد سه تأثیر زیاد است؛ بنابراین اگر تعداد متغیرهای شناسایی شده n باشد، یک ماتریس $n \times n$ به دست آمده که در آن تأثیرات متغیرها بر یکدیگر مشخص شده است. این ماتریس را می‌توان با نمودار متناظر آن نمایش داد که در آن نمودار جهت تأثیرگذاری هر گروه به دیگر توسط پیکان‌ها و میزان تأثیرگذاری به صورت عددی در بالای پیکان نمایش داده می‌شود. نهایتاً براساس تأثیرگذاری و تأثیرپذیری این متغیرها این نرم‌افزار قادر است به رتبه‌بندی و استخراج عوامل کلیدی اقدام کند (همان، ۱۸:۲۰۰۳). نحوه پراکنش عوامل بر این نمودار گویای آن است که سیستم در چه وضعیتی قرار دارد. آیا سیستم پایدار است یا ناپایدار؟ این فهم اولیه از وضعیت سیستم بر نحوه تحلیل عوامل تأثیرگذار است. در سیستم‌های پایدار پراکنش عوامل به صورت L است، یعنی برخی عوامل دارای تأثیرگذاری بالا و برخی دارای تأثیرپذیری بالاست. در سیستم‌های پایدار مجموعاً سه دسته عوامل تأثیرگذار، عوامل تأثیرپذیر و عوامل مستقل مشاهده می‌گردد. در مقابل در سیستم‌های ناپایدار وضعیت پیچیده‌تر از سیستم‌های پایدار است. در این سیستم‌ها عوامل در حول محور قطری بردار و در تمامی صفحه پراکنده‌اند و

3. Unido
4. Gordon
5. Godet

عوامل در بیشتر مواقع حالتی بینابینی دارند. تحلیل این سیستم‌های نسبت به سیستم‌های پایدار پیچیده‌تر است، زیرا عوامل بیشتری در این سیستم‌ها دخیل است. این عوامل در مجموع به پنج دسته تقسیم می‌شوند که در ذیل تشریح می‌گردند: ۱- عوامل تعیین‌کننده یا تأثیرگذار؛ ۲- عوامل دوجهی که خود دارای دو زیرمجموعه عوامل ریسک و هدف تقسیم می‌شود؛ ۳- عوامل تأثیرپذیر یا نتیجه سیستم؛ ۴- عوامل مستقل که خود به دو بخش عوامل گسسته و عوامل اهرمی ثانویه تقسیم می‌شود؛ ۵- عوامل تنظیمی (همان، ۲۰۰۳: ۲۲).



نمودار ۱. تأثیرگذاری- تأثیرپذیری متغیرها در تحلیل اثرات متقاطع

(منبع گدت، ۱۸۹:۲۰۰۶)

۶-ارائه یافته‌های تحقیق

۶-۱- وضعیت پیوندهای روستایی و شهری در ناحیه مورد مطالعه

در این راستا از شش شاخص جابه‌جایی افراد جهت دید و بازدید به صورت هفتگی جهت خدمات‌گیری به صورت هفتگی، جهت کار به صورت روزانه، جابه‌جایی کال، پول و تبادل ایده و دانش به صورت روزانه استفاده شد؛ بدین ترتیب که با استفاده از نظر پاسخ‌دهندگان در قالب طیف لیکرت جریان ورودی و خروجی هر یک از این شاخص‌ها مورد ارزیابی قرار گرفت؛ برای نمونه در مورد شاخص اول از پاسخ‌دهندگان پرسیده شد که میزان مراجعه شما به شهر/ روستا در طی یک



هفته جهت دید و بازدید از اقوام و یا آشنایان چقدر است؟^۶ در مورد سایر شاخص‌ها نیز پرسش‌ها به همین شکل مطرح گردید. در نهایت جمع امتیاز ورودی و خروجی هر شاخص نشانگر میزان قرارگیری آن سکونت‌گاه در فضای جریانی است؛ با جمع کردن امتیازهای مجموع شش جریان با هم یک امتیاز کلی برای هر سکونت‌گاه به دست می‌آید که نشان‌دهنده رتبه هر سکونت‌گاه در زمینه قرارگیری در فضای جریان هاست؛ بدان معنا که سکونت‌گاه‌هایی که با شدت بیشتر در فضای جریان‌های مختلف قرار دارند دارای امتیاز بالاتر و بر عکس سکونت‌گاه‌هایی که با شدت کمتر و در فضای جریانی محدودتری قرار دارند از امتیاز پایین‌تری برخوردار می‌گردند.

نخستین جریان مورد مطالعه در این بخش جریان افراد جهت دید و بازدید است که گویای جنبه‌ای از تعاملات اجتماعی روستایی- شهری است؛ همان‌طور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود این نوع جریان در بیشتر سکونت‌گاه‌های مورد مطالعه گویای حالتی دو سویه است. در این راستا روستای القجر با مجموع امتیاز ۸,۱۱ دارای رتبه نخست قرارگیری در فضای این جریان، شهر مینودشت با امتیاز ۶,۵۸ دارای رتبه دوم و روستای دوزین با امتیاز ۶,۲۹ در رتبه سوم قرار دارد. دومین جریان مورد مطالعه جریان افراد جهت خدمات‌گیری است. شهرهای کوچک که در نواحی متراکم روستایی قرار دارند به عنوان کانون خدمات رسانی به نواحی روستایی پیرامون ایفای نقش می‌نمایند؛ شهر مینودشت نیز از این قاعده مستثنی نیست و حتی می‌توان گفت که مهم‌ترین فلسفه وجودی این شهر نیز همین امر است؛ هر چند در این زمینه کارکردهای سیاسی- اداری نیز بسیار تأثیرگذار بوده است. شهر مینودشت در طول هفته پذیرای روستاییان زیادی است که به منظورهای مختلف از قبیل دریافت خدمات اداری، آموزشی، بهداشتی، فنی، تفریحی و... به این شهر مراجعه می‌کنند؛ در مقابل عمده مراجعات از سوی شهرنشینان به روستاها به منظور بهره‌گیری از جاذبه‌ها و خدمات تفریحی است. در این جریان بیشترین شدت قرارگیری در فضای جریان مربوط به شهر مینودشت با امتیاز ۶,۴۶ و پس از آن روستای القجر با امتیاز ۶,۳۷ و روستای دوزین با امتیاز ۶,۳۲ است. سومین جریان مورد مطالعه جریان افراد جهت کار است؛ به صورت روزانه جریانی از جابه‌جایی روستاییان از سمت نواحی روستایی به شهر قابل مشاهده است که بیشتر مربوط به کارگران ساختمانی و زراعی روزمزد است. در سوی دیگر در سالیان اخیر با توجه به بهبود زیرساخت‌های ارتباطی بسیاری از مهاجرین روستایی که هم اکنون در شهر سکونت دارند و شهرنشین محسوب می‌شوند جهت کار بیشتر در بخش کشاورزی به روستاهای خویش مراجعه می‌نمایند؛ در مواردی نیز قرارگیری معادن در نواحی روستایی شکل‌دهنده جریان کاری بین شهر و روستاست مانند آنچه

۶. در مورد روستاییان این پرسش بدین صورت مطرح می‌گردد که میزان مراجعه شما به شهر جهت دید و بازدید از اقوام و آشنایان در طی یک هفته چقدر است؟ بدی‌بھی در مورد ساکنین شهر مینودشت این پرسش به صورت معکوس مطرح شده و میزان مراجعه ایشان به نواحی روستایی جهت دید و بازدید از اقوام و آشنایان مورد پرسش قرار گرفته است.

که در معدن روستای تخت اتفاق افتاده است. در مجموع بیشترین میزان قرارگیری در فضای این جریان با امتیاز ۶,۸۸ مربوط به شهر مینودشت است؛ در بین روستاهای مورد مطالعه نیز روستای تخت با امتیاز ۶,۸۵ دارای بیشترین شدت در این جریان است. جریان چهارم که مورد مطالعه قرار گرفته است جریان کالا بین نواحی روستایی و شهری است. بر این اساس شهر مینودشت با امتیاز ۷,۸۳ بیشترین میزان قرارگیری در فضای این جریان را داراست و پس از آن دو روستای پرجمعیت قلعه قافه و دوزین قرار دارند که خود کانون ارائه کالا و خدمات برای روستاهای اطراف هستند، همچنین ارائه دهنده طیف وسیعی از محصولات زراعی و باغی به شهر مینودشت است. جریان پنجم جریان پولی است که مورد مطالعه قرار گرفته است. با توجه به وجود بازارهای گوناگون و مراکز بانکی و مالی در شهر مینودشت، این شهر بیشترین میزان قرارگیری در فضای جریانی این شاخص را دارد و پس از آن دو روستای بزرگ ناحیه یعنی روستاهای القجر و دوزین قرار دارند. جریان ایده و دانش آخرین جریان مورد مطالعه در این بخش است؛ در این راستا نتایج یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد در این جریان روستای القجر با امتیاز ۷,۱ رتبه اول و پس از آن شهر مینودشت با امتیاز ۶,۵۷ و روستای تخت با امتیاز ۵,۶۹ در رتبه‌های دوم و سوم قرار دارند.

در نهایت بر این اساس یافته‌های این بخش همان‌طور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود رتبه‌بندی سکونت‌گاه‌های مورد مطالعه بر مبنای شاخص قرارگیری در فضای جریان‌ها بدین شرح است: ۱- شهر مینودشت؛ ۲- روستای القجر؛ ۳- روستای دوزین؛ ۴- روستای قلعه قافه؛ ۵- روستای تخت؛ ۶- روستای طول آرام؛ ۷- روستای دروک؛ ۸- روستای ساسنگ؛ ۹- روستای چمانی پایین؛ ۱۰- روستای پرنگل؛ ۱۱- روستای کلاسره؛ ۱۲- روستای باقرآباد؛ ۱۳- روستای شرکت صحرا؛ ۱۴- روستای دشت حلقه؛ ۱۵- روستای سنچولی آباد.

جدول ۵. رتبه‌بندی سکونت‌گاه‌ها براساس شاخص قرارگیری در فضای جریان‌ها

رتبه	نام سکونت‌گاه	مجموعی	طول	آرام	دور	مساحت	نسبت	لی‌ایجاد	صحرای	حلقه	پرتکل	میزان	کلاس	قلعه	موزین	تعداد	مجموعی	رتبه
۱	جریان افراد جهت دید و بازدید به صورت هفتگی	ورودی	۳۵۴	۴۰۴	۳۰۷	۲۴۲	۲۳۷	۲۰۴۶	۲۸	۱۰۹	۲۲	۲۰۴	۲۳۷	۲۴۲	۳۰۷	۴۰۴	۳۵۴	۳
		خروجی	۳۰۴	۴۰۷	۳۲۲	۳۰۸	۲۳۲	۳۰۸	۳	۲۰۴	۲۴	۳	۳۰۸	۲۳۲	۳۲۲	۴۰۷	۳۰۴	۳
		جمع	۶۵۸	۸۱۱	۶۲۹	۵۵۴	۴۶۸	۵۵۴	۵۸	۴۳	۵۸	۵۸	۵۵۴	۴۶۸	۶۲۹	۸۱۱	۶۵۸	۶
۲	جریان افراد جهت خدمات‌گیری به صورت هفتگی	ورودی	۴۲	۲۱۹	۲۱۵	۲۲۸	۱۱۱	۱۸۵	۱۵	۱۲	۱۱	۱۸۵	۱۱۱	۲۲۸	۲۱۵	۲۱۹	۴۲	۱۸
		خروجی	۲۶	۴۱۸	۴۱۶	۳۹۲	۳۶۳	۳۷۴	۳۹۲	۳۵	۴	۴	۳۹۲	۳۶۳	۳۷۴	۴۱۶	۴۱۸	۲۶
		جمع	۶۸	۶۳۷	۶۳۲	۶۰۲	۴۷۴	۶۰۲	۶۰۲	۵	۵	۵	۶۰۲	۴۷۴	۶۳۲	۶۳۷	۶۸	۵
۳	جریان افراد جهت کار به صورت روزانه	ورودی	۴۱۲	۱۷۷	۲۶۷	۲۲۱	۲۱۶	۴۲۱	۲۱۶	۲۳	۱	۱۴	۴۲۱	۲۱۶	۲۶۷	۱۷۷	۴۱۲	۲
		خروجی	۲۷۶	۳۳۶	۳۴۱	۲۵۴	۲۸۴	۲۸۴	۲۵۴	۳۳	۲۸	۲۸	۲۵۴	۲۸۴	۳۴۱	۳۳۶	۲۷۶	۳
		جمع	۶۸۸	۵۱۲	۶۳۸	۵۷۹	۵	۶۸۵	۵	۵۸	۴۷	۵۸	۶۸۵	۵	۶۳۸	۵۱۲	۶۸۸	۶
۴	جریان کالا به صورت روزانه	ورودی	۳۸۱	۳۴۸	۴۱۶	۴۰۵	۵۸۳	۳۷۷	۳۳	۲	۳۳	۳۷۷	۵۸۳	۴۰۵	۴۱۶	۳۴۸	۳۸۱	۳
		خروجی	۴۰۲	۲۸۴	۳۰۱	۳۷۴	۵۳۳	۳۷۴	۳۲۱	۳	۳۵	۳	۳۲۱	۵۳۳	۳۰۱	۲۸۴	۴۰۲	۴
		جمع	۷۸۳	۶۳۲	۷۳۶	۷۷۹	۷۱۱	۷۰۸	۷۰۸	۶۳	۶۵	۶۳	۷۰۸	۷۱۱	۷۳۶	۶۳۲	۷۸۳	۷
۵	جریان پول به صورت روزانه	ورودی	۴۲۸	۳۷۹	۳۴۱	۳۲۷	۳	۳۰۸	۲۳	۲۶	۲۳	۳۰۸	۳	۳۲۷	۳۴۱	۳۷۹	۴۲۸	۳
		خروجی	۳۶	۳۹۳	۴۱۶	۳۸۴	۳۵۳	۴۲۱	۳۵۳	۳۲	۳۱	۳۲	۴۲۱	۳۵۳	۴۱۶	۳۹۳	۳۶	۴
		جمع	۷۸۸	۷۷۲	۷۵۸	۷۲۱	۶۵۳	۷۲۱	۷۲۸	۵۵	۵۷	۵۵	۷۲۸	۶۵۳	۷۲۱	۷۵۸	۷۷۲	۷۸۸
۶	جریان ایده و دانش به صورت روزانه	ورودی	۲۹۴	۳۶۵	۳۲	۳۱۶	۲۱۶	۳۰۸	۲۵	۲۲	۲۵	۳۰۸	۲۱۶	۳۱۶	۳۲	۳۶۵	۲۹۴	۲
		خروجی	۳۶۳	۳۴۵	۲۴۲	۲۱۱	۲۱۶	۲۶۲	۲۱۶	۲۵	۱۶	۲۵	۲۶۲	۲۱۱	۲۴۲	۳۴۵	۳۶۳	۳
		جمع	۶۵۷	۷۱۱	۵۶۲	۵۲۶	۴۲۲	۵۶۹	۴۲۲	۴۷	۳۸	۴۷	۵۶۹	۴۲۲	۵۶۲	۷۱۱	۶۵۷	۵
جمع کل		۴۲۲	۴۱۰۴	۳۹۴۵	۳۷۶۵	۳۲۴۸	۳۸۳۱	۳۳۲۱	۳۰۲	۳۳۲۱	۳۸۳۱	۳۲۴۸	۳۷۶۵	۳۹۴۵	۴۱۰۴	۴۲۲		
رتبه		۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷

(منبع نگارندگان، ۱۳۹۵)



۶-۲- شناسایی عوامل توسعه یکپارچه ناحیه‌ای با تأکید بر پیوندهای روستایی-

شهری

جهت شناسایی این عوامل از روش‌های طوفان مغزی و دلفی استفاده شد. نتایج به دست آمده گویای ۵۴ عامل به عنوان عوامل مؤثر در توسعه یکپارچه ناحیه‌ای با تأکید بر پیوندهای روستایی- شهری است که در قالب ۹ بخش اصلی گنجانده شده‌اند. همان‌طور که در جدول ذیل مشاهده می‌گردد ۱۱ عامل در بخش کشاورزی، ۴ عامل در بخش صنعت، ۱۳ عامل در بخش خدمات، ۴ عامل در بخش نیروی انسانی، ۴ عامل در بخش زیربنایی، ۳ عامل در بخش آموزشی، ۵ عامل در بخش اجتماعی، ۴ عامل در بخش منابع طبیعی و ۶ عامل در بخش مدیریت و برنامه‌ریزی قرار گرفته‌اند.

جدول ۶. عوامل مؤثر در توسعه یکپارچه ناحیه‌ای با تأکید پیوندهای روستایی- شهری

بخش	عوامل
کشاورزی	کشت‌های سنتی مانند گندم، جو و برنج، کشت‌های جدید تجاری مانند کشت زعفران، کشت دانه‌های روغنی، کشت گلخانه‌ای، باغداری، دامداری‌های خانگی، دامپروری صنعتی، واحدهای صنعتی مرغداری، تولید گل و گیاهان دارویی، واحدهای تولیدی خرد مانند زنبورداری و نوغانداری، مکانیزاسیون کشاورزی
صنعت	صنایع تبدیلی کشاورزی، کارخانجات ساخت ماشین‌آلات کشاورزی، صنایع کوچک، صنایع دستی
خدمات	گردشگری طبیعت‌گرا، گردشگری فرهنگی، گردشگری ورزشی، گردشگری سکونت‌گاهی، واحدهای خدماتی نظیر مراکز بیمه، کلینیک‌ها، تعمیرگاه‌ها، اژانس‌ها و... در شهرها و روستاهای بزرگ، واحدهای مالی مانند بانک‌ها و مؤسسات قرض‌الحسنه در شهرها و روستاهای بزرگ، مراکز تفریحی ورزشی (مانند ساکن‌های ورزشی، سینما، پینت‌بال، تله‌کابین و...)، مراکز اقامتی و پذیرایی، بازارهای محلی، بازارهای صادراتی، تعاونی‌ها، شرکت‌های دانش بنیان، تجارت الکترونیک
نیروی انسانی	مدیران اجرایی توانمند، نخبه‌های علمی کارآفرینان، نیروی کار فعال اقتصادی
امکانات و تسهیلات زیربنایی	فناوری اطلاعات و ارتباطات، شبکه حمل و نقل درون ناحیه‌ای، شبکه حمل و نقل برون ناحیه‌ای، زیرساخت‌ها
آموزش و تحقیقات	واحدهای دانشگاهی و آموزشی، مراکز تحقیق و توسعه، مراکز آموزشی فنی و حرفه‌ای
اجتماع	امنیت، میزان جمعیت (شهری و روستایی)، تنوع قومیت‌ها، NGO ها و شبکه‌های اجتماعی، الگوهای سکونت
منابع طبیعی	جنگل‌ها و مراتع، معادن، منابع آب، منابع خاک
مدیریت و برنامه‌ریزی ناحیه‌ای	برنامه باوری و برنامه محوری، مدیریت یکپارچه ناحیه‌ای، مدیریت مشارکتی، طرح‌های عمرانی و خدمات‌رسانی، سرمایه‌های بخش خصوصی داخلی و خارجی، سرمایه‌های و اعتبارات کشوری و استانی

ماخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۵

۶-۳- تحلیل عوامل مؤثر بر توسعه یکپارچه ناحیه‌ای با تأکید بر پیوندهای

روستایی- شهری

جهت تحلیل عوامل دخیل در توسعه ناحیه‌ای ماتریس اثرات متقاطع استفاده شد. همان‌طور که یاد شد تعداد عوامل شناسایی شده در زمینه توسعه یکپارچه ناحیه‌ای با تأکید بر پیوندهای روستایی- شهری ۵۴ عامل است. بنابراین ابعاد ماتریس ۵۴×۵۴ است که به کمک نرم‌افزار میک مک مورد تحلیل قرار گرفت. براساس نتایج حاصل از نرم‌افزار درجه پرشدگی ماتریس طراحی در تحقیق حاضر ۶۸,۲۹ است. همان‌طور در جدول ۷ مشاهده می‌شود در این ماتریس تعداد تکرار عدد صفر ۹۲۵ (۳۱/۷۲٪) مورد است که نشان‌دهنده عدم وجود رابطه در این موارد بوده است؛ تعداد تکرار عدد یک ۴۵۶ (۱۵/۶۴٪) مورد است که گویای رابطه ضعیف این عوامل با هم است؛ تعداد تکرار عدد دو ۷۶۲ (۲۶/۱۳٪) مورد است که گویای رابطه متوسط این عوامل با هم است و در نهایت تعداد تکرار عدد سه ۷۷۳ (۲۶/۵۱٪) مورد است که گویای روابط قوی بین این عوامل است.

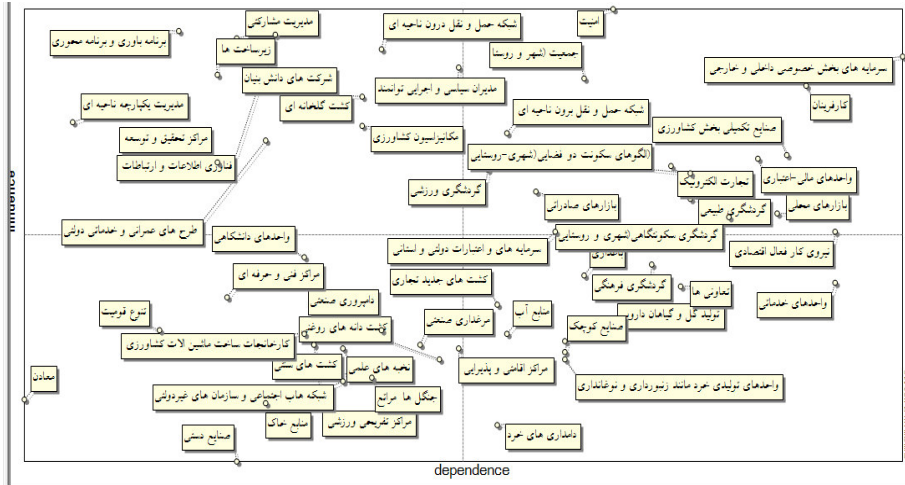
جدول ۷. ویژگی‌های ماتریس اثرات متقاطع عوامل مؤثر بر توسعه یکپارچه ناحیه‌ای

شرح	صفر	یک	دو	سه	مجموع	درجه پرشدگی
مقدار	۹۲۵	۴۵۶	۷۶۲	۷۷۳	۲۹۱۶	۶۸,۲۹
درصد	۳۱,۷۲	۱۵,۶۴	۲۶,۱۳	۲۶,۵۱	۱۰۰	

(منبع یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۵)

۶-۴- درک کلی از وضعیت پایداری و ناپایداری سیستم

جهت تحلیل ماتریس اثرات متقاطع ابتدا باید درک کلی از وضعیت پایداری و ناپایداری سیستم به دست آورد. همان‌طور که اشاره شد پراکنش عوامل بر نمودار خروجی نرم‌افزار میک مک نشان‌دهنده این موضوع است؛ چنان‌چه پراکنش عوامل به صورت L باشد سیستم پایدار است و در غیر این صورت سیستم ناپایدار است. نمودار ۲ تأثیرگذاری و تأثیرپذیری عوامل مورد مطالعه در این تحقیق را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌گردد پراکنش عوامل در این نمودار به صورت صفحه‌ای بوده که گویای حالت ناپایدار سیستم است.



نمودار ۲. پارانش عوامل بر نمودار تأثیرگذاری - تأثیرپذیری عوامل مورد مطالعه

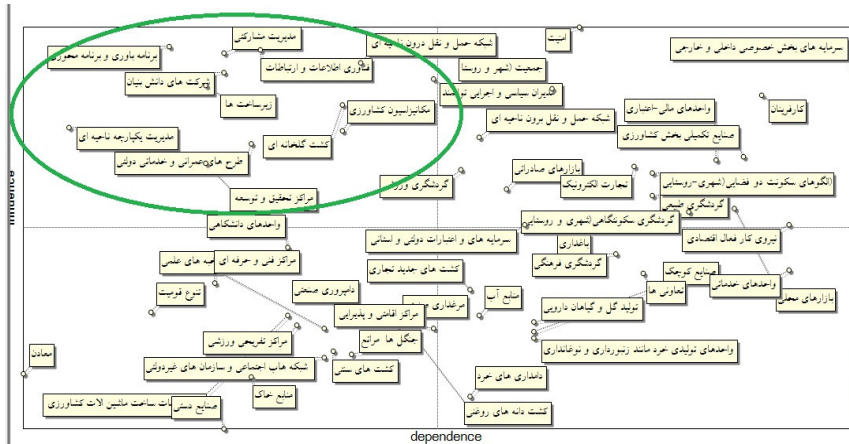
۵-۶- تحلیل و دسته‌بندی عوامل مؤثر بر توسعه یکپارچه ناحیه‌ای

در این قسمت به تحلیل و دسته‌بندی عوامل مؤثر بر توسعه یکپارچه ناحیه‌ای با استفاده از نمودارهای خروجی نرم‌افزار میک مک پرداخته می‌شود. سیستم مورد مطالعه از نوع سیستم‌های ناپایدار است؛ بنابراین عوامل مورد مطالعه به پنج دسته تقسیم می‌شوند که در ذیل تشریح می‌شود.

۶-۵-۱- عوامل تعیین‌کننده یا تأثیرگذار

در تشخیص این عوامل دو اصل وجود دارد: این عوامل بیشتر تأثیرگذار و کمتر تأثیرپذیرند؛ به عبارت دیگر تأثیرگذاری آن‌ها بسیار بیشتر از تأثیرپذیری است. عوامل تعیین‌کننده و یا تأثیرگذار در بهترین حالات یعنی در سیستم‌های پایدار در قسمت شمال‌غربی نمودار نمایش داده می‌شوند و در سیستم‌های ناپایدار در حواشی این قسمت به سمت شرق و یا جنوب شرق تمایل پیدا می‌نمایند. از این‌رو این عوامل را در سیستم مورد مطالعه که از نوع ناپایدار است باید در این نواحی جستجو کرد. تغییرات مطلوب سیستم بیشتر به این عوامل بستگی دارد؛ از این‌رو کنترل و هدایت این عوامل بسیار مهم است. از طرف دیگر این عوامل به عنوان عوامل ورودی به سیستم تلقی می‌شوند و می‌توانند منجر به تغییر در کل سیستم گردند. همان‌طور که در نمودار ۳ ملاحظه می‌گردد این عوامل در سیستم مورد مطالعه شامل دوازده عامل مدیریت یکپارچه ناحیه‌ای، برنامه‌باوری و برنامه‌محوری، مدیریت مشارکتی، شرکت‌های دانش بنیان،

فناوری اطلاعات و ارتباطات، طرح‌های عمرانی و خدماتی دولتی، مراکز تحقیق و توسعه، کشت گلخانه‌ای، مکانیزاسیون، زیرساخت‌ها، شبکه حمل و نقل ناحیه‌ای و مدیران اجرایی توانمند است (نمودار ۳).



نمودار ۳. عوامل تأثیرگذار یا تعیین‌کننده در سیستم مورد مطالعه

۶-۵-۲- عوامل دوجهبی

این عوامل هم‌زمان به صورت بسیار تأثیرگذار و بسیار تأثیرپذیر عمل می‌نمایند و بیشتر در قسمت شمال شرقی نمودار قرار می‌گیرند. طبیعت این عوامل با ناپایداری آمیخته است، زیرا هر عمل و تغییری بر آن‌ها، واکنش و تغییری را بر سایر عوامل در پی خواهد داشت؛ بنابراین از حساسیت بالایی برخوردارند و نیازمند نظارت و کنترل مداوم است. این عوامل شامل شازنده عامل امنیت، کارآفرینان، جمعیت، شبکه حمل و نقل برون ناحیه‌ای، بازارهای صادراتی، تجارت الکترونیک، سرمایه‌های بخش خصوصی، واحدهای مالی، صنایع تکمیلی، الگوهای سکونت، گردشگری طبیعی، گردشگری سکونت‌گاهی، گردشگری ورزشی، سرمایه‌ها و اعتبارات دولتی و استانی، بازارهای محلی و نیروی کار فعال اقتصادی می‌گردد (نمودار ۴).

این عوامل خود به دو دسته عوامل ریسک و هدف تقسیم می‌شوند که در ذیل هر دو مورد تشریح می‌گردد:

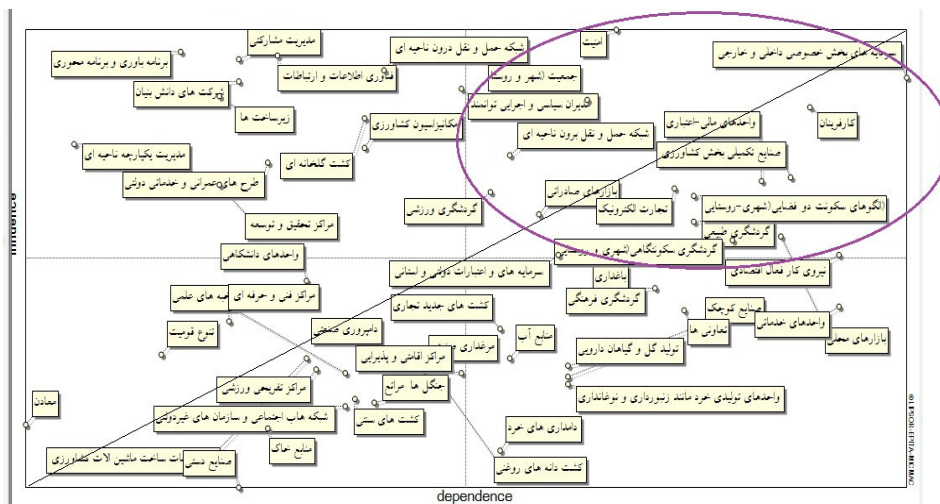


۲-۱- عوامل دوجهی از نوع ریسک

این عوامل در حول و حوش خط قطری ناحیه شمال شرقی قرار دارند و ظرفیت بسیار بالایی جهت تبدیل شدن به بازیگران کلیدی سیستم دارد. این عوامل در سیستم مورد مطالعه شامل چهار عامل بازارهای صادراتی، تجارت الکترونیک، کارآفرینان، گردشگری ورزشی و سرمایه های بخش خصوصی است.

۲-۲- عوامل دوجهی از نوع هدف

این متغیرها در زیر خط قطری ناحیه شمال شرقی واقع شده و بیش از آن که تأثیرگذار باشند تأثیرپذیرند؛ بنابراین آن‌ها را می‌توان به عنوان نتایج تکامل سیستم معرفی کرد. با هدایت این عوامل می‌توان به تغییرات و تکامل مورد نظر سیستم نزدیک شد. این عوامل در سیستم مورد مطالعه شامل هفت عامل گردشگری طبیعت گرا، گردشگری سکونت‌گاهی (شهری و روستایی)، صنایع تبدیلی مربوط به بخش کشاورزی، بازارهای محلی، الگوهای سکونت دوفضایی، واحدهای بانکی و مالی و در نهایت نیروی کار فعال اقتصادی می‌گردد.



نمودار ۴. عوامل دوجهی در سیستم مورد مطالعه

۳. عوامل مستقل یا مستثنی

این عوامل دارای تأثیرگذاری و تأثیرپذیری پایینی است. آن‌ها در قسمت جنوب‌غربی نمودار قرار می‌گیرند و دارای کمترین ارتباط با سیستم است. این عوامل عمدتاً نه باعث توقف یک عامل و نه باعث تکامل آن می‌شوند. این عوامل در سیستم مورد مطالعه شامل پانزده عامل است که عبارت از کشت دانه‌های روغنی، جنگل‌ها و مراتع، شبکه‌های اجتماعی و سازمان‌های غیردولتی، کشت‌های سنتی، مرغداری، دامداری‌های صنعتی، صنایع دستی، منابع خاک، کارخانجات ساخت ماشین آلات کشاورزی، نخبه‌های علمی، مراکز تفریحی و ورزشی، معادن، تنوع قومیت، مراکز فنی و حرفه‌ای و واحدهای دانشگاهی است.

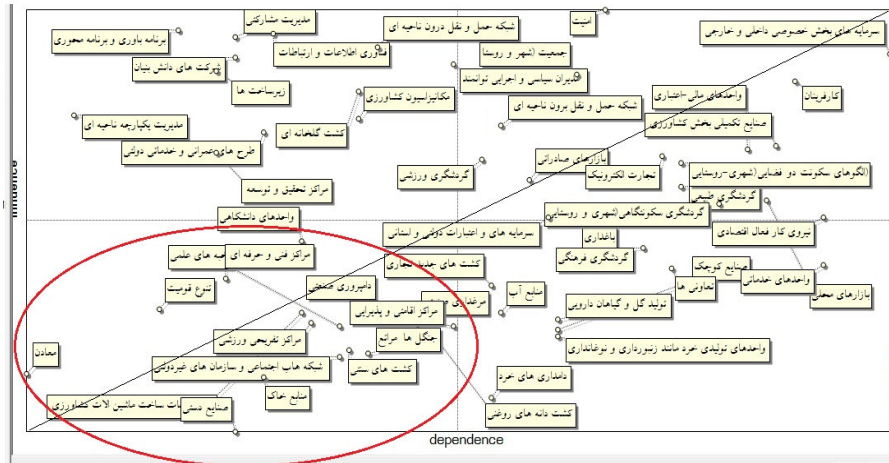
در میان عوامل مستقل باید به دو دسته از عوامل توجه کرد: ۱- عوامل اهرمی ثانویه ۲- عوامل گسسته.

۳-۱- عوامل ثانویه اهرمی

این عوامل با آن‌که مستقل است بیش از آن‌که تأثیرپذیر باشند تأثیرگذارند. این عوامل در بالای خط قطری جنوب‌غربی نمودار قرار دارند. این عوامل در سیستم مورد مطالعه شامل پنج عامل واحدهای دانشگاهی، مراکز فنی و حرفه‌ای، نخبه‌های علمی، تنوع قومیت‌ها و معادن می‌شود.

۳-۲- عوامل گسسته

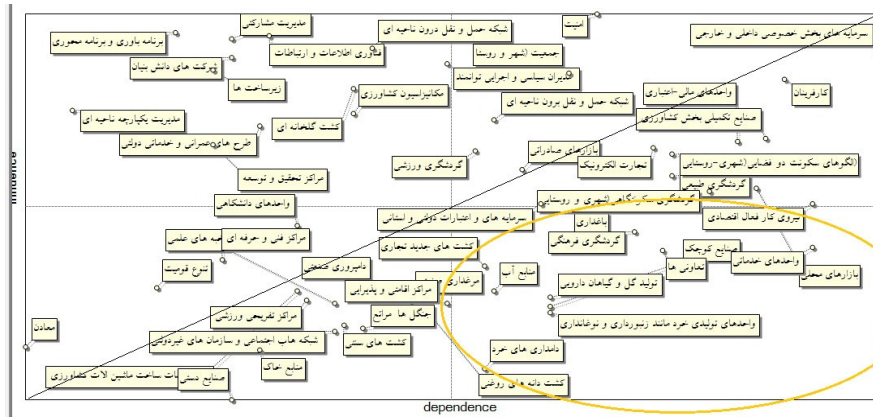
این عوامل در نزدیکی مبدا متخصصات در نمودار قرار دارند. تکامل این عوامل ارتباطی به سیستم مورد بررسی نداشته و بنابراین می‌توان آن‌ها را از سیستم خارج کرد. در سیستم مورد مطالعه همان‌طور که در نمودار ۵ از این نوع عوامل وجود ندارد.



نمودار ۵. عوامل مستقل در سیستم مورد مطالعه

۴- عوامل تأثیرپذیر یا نتیجه

این عوامل تأثیرگذاری پایین و تأثیرپذیری بسیار بالایی دارند؛ بنابراین این عوامل نسبت به تغییر و تکامل عوامل تأثیرپذیر و دوجهی بسیار حساس و وابسته است. این عوامل در بهترین حالت یعنی در سیستم‌های پایدار در ناحیه جنوب شرقی نمودار قرار می‌گیرند، اما در سیستم‌های ناپایدار بیشتر به سمت غرب و شمال غرب متمایل می‌گردند. این عوامل در سیستم مورد مطالعه شامل یازده عامل واحدهای خدماتی، تعاونی‌ها، باغداری، گردشگری فرهنگی، منابع آب، تولید گل و گیاه، صنایع و کارگاه‌های کوچک، واحدهای تولید خرد، دامداری خانگی، کشت‌های جدید و مراکز اقامتی و پذیرایی می‌گردد (نمودار ۶).



نمودار ۶. عوامل تأثیرپذیر یا نتیجه در سیستم مورد مطالعه

۵. عوامل تنظیمی

عوامل تنظیمی که در نزدیکی مرکز ثقل نمودار قرار می‌گیرند می‌توانند به تناوب به عنوان عوامل اهرمی ثانویه، عوامل ریسک ثانویه و یا عوامل هدف ضعیف عمل نمایند. این نوع عوامل در سیستم مورد مطالعه وجود ندارد.

جدول ۸. دسته‌بندی عوامل توسعه یکپارچه ناحیه‌ای با تأکید بر پیوندهای روستایی - شهری

ردیف	عوامل	موارد
۱	تأثیرگذار	مدیریت یکپارچه ناحیه‌ای، برنامه باوری و برنامه محوری، مدیریت مشارکتی، شرکت‌های دانش بنیان، فناوری اطلاعات و ارتباطات، طرح‌های عمرانی و خدماتی دولتی، مراکز تحقیق و توسعه، کشت گلخانه‌ای، مکانیزاسیون، زیرساخت‌ها، شبکه حمل و نقل ناحیه‌ای، مدیران اجرایی
۲	دووجهی	امنیت، کارافرینان، جمعیت، شبکه حمل و نقل برون ناحیه‌ای، بازارهای صادراتی، تجارت الکترونیک، سرمایه‌های بخش خصوصی، سرمایه و اعتبارات دولتی، واحدهای بانکی و مالی، صنایع تکمیلی، الگوهای سکونت، گردشگری طبیعی، گردشگری سکونت‌گاهی، گردشگری ورزشی، بازارهای محلی و نیروی کار فعال اقتصادی
۳	مستقل	کشت دانه‌های روغنی، جنگل‌ها و مراتع، شبکه‌های اجتماعی و سازمان‌های غیردولتی، کشت‌های سنتی، مرغداری، دامداری‌های صنعتی، صنایع دستی، منابع خاک، کارخانجات ساخت ماشین‌الات کشاورزی، نخبه‌های علمی، مراکز تفریحی و ورزشی، معادن، تنوع قومیت، مراکز فنی و حرفه‌ای و واحدهای دانشگاهی
۴	تأثیر پذیر	واحدهای خدماتی، تعاونی‌ها، باغداری، گردشگری فرهنگی، منابع آب، تولید گل و گیاه، صنایع و کارگاه‌های کوچک، واحدهای تولید خرد، دامداری خانگی، کشت‌های جدید و مراکز اقامتی و پذیرایی
۵	تنظیمی	-

(منبع یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۵)



۷- نتیجه‌گیری

پرداختن به آینده و برنامه‌ریزی برای آن جزء جدا نشدنی فرایند برنامه‌ریزی است. در بیشتر موارد عدم توجه به آینده و یا پرداختن به آینده با اتکا به پیش‌بینی و تحلیل روندهای گذشته، مشکلات زیادی را در اجرای برنامه‌ها پیش آورده است. نابرابری‌ها و عدم عدالت فضایی در سطح نواحی جغرافیایی باعث شده است که اندیشمندان این عرصه به طور جدی در فکر ارائه رهیافت‌های جدید در جهت کاهش این نابرابری‌ها و عدم تعادل‌ها باشند. در این راستا توسعه یکپارچه ناحیه‌ای بر مبنای پیوندهای روستایی- شهری رویکردی است که در سالیان اخیر مطرح شده و مورد توجه فراوان قرار گرفته است. این رویکرد به ویژه در نواحی که از سهم بالای جمعیت روستایی برخوردارند (مانند شهرستان مینودشت با دارا بودن ۶۲/۳۶٪ جمعیت روستایی) بسیار مفید و راه‌گشا خواهد بود. بی‌شک در فرایند توسعه یکپارچه هر ناحیه‌ای عوامل مختلف و متعدد نقش دارند که در این تحقیق این عوامل با تأکید بر امکان ایجاد پیوندهای روستایی- شهری مورد مطالعه قرار گرفتند. بر این اساس یافته‌های تحقیق تنوع این عوامل در بخش کشاورزی، خدماتی و مدیریتی بیش از سایر ابعاد است، اما این بدان معنا نیست که لزوماً اهمیت این عوامل بیش از سایر عوامل است، بلکه در این به شدت باید تأثیرگذاری و نقش‌آفرینی آن‌ها توجه کرد. در این راستا این تحقیق بر مبنای خروجی ماتریس اثرات متقابل با استفاده از نرم‌افزار میک مک نتیجه‌گیری می‌کند سیستم ناحیه مورد مطالعه از نوع ناپایدار بوده و بنابراین در آن می‌توان حداکثر ۵ عامل تأثیرگذار، دوجهی، مستقل، تأثیرپذیر و تنظیمی را دسته‌بندی نمود. بر این اساس عوامل تأثیرپذیر عواملی هستند که تغییرات مطلوب سیستم بیشتر به آن‌ها بستگی دارد؛ از این‌رو کنترل و هدایت این عوامل بسیار مهم است. از طرف دیگر این عوامل به عنوان عوامل ورودی به سیستم تلقی می‌شوند و می‌توانند منجر به تغییر در کل سیستم گردند. عوامل دوجهی نیز عواملی هستند که ماهیت آن‌ها با ناپایداری آمیخته است زیرا هر عمل و تغییری بر آن‌ها واکنش و تغییری را بر سایر عوامل در پی خواهد داشت؛ بنابراین از حساسیت بالایی برخوردارند و نیازمند کنترل و نظارت مداوم است. عوامل مستقل عواملی هستند که عمدتاً نه باعث توقف یک عامل و نه باعث تکامل آن می‌شوند. عوامل تأثیرپذیر عواملی هستند که نسبت به تغییر و تکامل عوامل تأثیرپذیر و دوجهی بسیار حساس و وابسته است؛ بنابراین باید مدارم پایش گردند و چنان‌چه مطابق میل سیستم عمل نکردند با اعمال تغییر در عوامل تأثیرپذیر و دوجهی دست به اصلاح این عوامل نمود. در نهایت عوامل تنظیمی عواملی هستند که می‌توانند به تناوب به عنوان عوامل دوجهی و مستقل عمل نمایند. این تغییر ماهیت چنان‌چه زیرنظر و تحت کنترل برنامه ریز باشد

می‌تواند منجر به تغییرات مثبت گردد. بر این مبنا می‌توان نتیجه‌گیری کرد که دو دسته عوامل تأثیرگذار و دوجهی مهم‌ترین عوامل در سیستم‌های ناپایدار است. در این تحقیق این عوامل که می‌توان آن‌ها را عوامل تأثیرگذار کلیدی در فرایند توسعه یکپارچه ناحیه‌ای با تأکید بر پیوندهای روستایی- شهری نامید به شرح ذیل است.

الف- عوامل تأثیرگذار: مدیریت یکپارچه ناحیه‌ای، برنامه‌باوری و برنامه‌محوری، مدیریت مشارکتی، شرکت‌های دانش بنیان، فناوری اطلاعات و ارتباطات، طرح‌های عمرانی و خدماتی دولتی، مراکز تحقیق و توسعه، کشت گلخانه‌ای، مکانیزاسیون، زیرساخت‌ها، شبکه حمل و نقل ناحیه‌ای، مدیران اجرایی؛

ب- عوامل دوجهی: امنیت، کارآفرینان، جمعیت، شبکه حمل و نقل برون ناحیه‌ای، بازارهای صادراتی، تجارت الکترونیک، سرمایه‌های بخش خصوصی، سرمایه و اعتبارات دولتی، واحدهای بانکی و مالی، صنایع تکمیلی، الگوهای سکونت، گردشگری طبیعی، گردشگری سکونت‌گاهی، گردشگری ورزشی، بازارهای محلی و نیروی کار فعال اقتصادی؛

در نهایت می‌توان نتیجه‌گیری کرد که چنان‌چه بخواهیم به سمت توسعه یکپارچه ناحیه‌ای با تأکید بر پیوندهای روستایی- شهری حرکت کنیم آینده‌های محتمل و مطلوب باید به شدت از این عوامل تأثیر پذیرند و به بیان دیگر در ساخت و طراحی سناریوهای آینده می‌بایست این عوامل به عنوان منطبق ایجاد سناریوها مد نظر قرار گیرند.

۸- ارائه پیشنهادها

- توسعه و بهبود شبکه حمل و نقل درون ناحیه‌ای؛ شبکه حمل و نقل ناحیه مینودشت به ویژه در نواحی روستایی به لحاظ کمیت و کیفیت جاده‌ها و وسایط حمل و نقل با کمبود و نقصان مواجه است که رفع آن باید در اولویت برنامه‌ها و طرح‌ها کالبدی شهرستان قرار گیرد؛ این امر در جهت توسعه یکپارچه ناحیه بر مبنای ایجاد پیوندهای روستایی- شهری بسیار مهم و ضروری است، زیرا ایجاد و تقویت پیوند بین نواحی روستایی و شهری به میزان زیادی متأثر از راه‌های ارتباطی و کیفیت حمل و نقل است.
- توسعه فعالیت‌های مربوط به بخش کشاورزی که دارای پتانسیل جهت ایجاد پیوند با صنایع تبدیلی و یا فعالیت‌های تجاری و بازرگانی است مانند توسعه خوشه‌های تولیدی در بخش کشاورزی که قابلیت ایجاد و برقراری پیوند با صنایع تبدیلی را دارند. برای نمونه تولیدات دانه‌های روغنی (کلزار، زیتون، آفتابگردان) و یا تقویت و توسعه دامداری‌ها و دامپروری‌ها.



- توسعه کشت‌های گلخانه‌ای که هم در بازار داخل تقاضا دارند و هم دارای بازار صادراتی است. در این زمینه می‌توان جهت تولید محصولات مورد نیاز بازار چند صد میلیون کشورهای CIS برنامه‌ریزی کرد. برای نمونه محصولاتی مانند خیار خاردار و معمولی، انواع گوجه فرنگی و گوجه گیلاسی، فلفل دلمه‌ای با حجم بالایی به این کشورها صادر می‌گردد.
- توسعه صنایع کوچک و متوسط؛ برای نمونه می‌توان به توسعه صنایع تبدیلی از جمله صنایع فراوری محصولات لبنی، محصولات فراوری شده گوشتی و یا تولید رب گوجه فرنگی و توسعه صنایع تولیدکننده مواد اولیه مورد نیاز این صنایع مانند ماند ماند واحدهای تولیدی ظروف پلاستیکی و یا انواع قوطی و ظروف فلزی اشاره کرد.
- خوشه‌سازی در زمینه توسعه گردشگری طبیعی و ورزشی؛ برای نمونه در زمینه گردشگری ورزشی پیشنهاد می‌شود توسعه هدفمند ورزش‌های هوایی مانند پاراگلایدر که در ناحیه مورد مطالعه دارای مزیت‌ها و پتانسیل‌هایی بالایی است مد نظر قرار گیرد. برای این گونه گردشگری می‌توان در مقیاس ملی و حتی بین‌المللی برنامه‌ریزی کرد. در زمینه گردشگری طبیعی پیشنهاد می‌شود در مقیاس منطقه شرق گلستان جهت جذب گردشگر برنامه‌ریزی شود که این امر مستلزم توسعه سایت‌های گردشگری موجود و اضافه نمودن چند سایت گردشگری در محدوده غربی (برای نمونه در جنگل باقراآباد در مجاورت روستای باقراآباد) و شرقی شهرستان (به عنوان مثال در اراضی جنگلی محدوده دهستان گرو) است.
- در زمینه مدیریت یکپارچه ناحیه‌ای پیشنهاد می‌شود هم‌زمان با انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا شهردار و دهیاران با رأی مستقیم مردم انتخاب گردند که تحت نظارت و قوانین شوراهای اسلامی عمل نمایند.
- همچنین پیشنهاد می‌گردد شوراهای اسلامی شهر و روستا بلافاصله پس از انتخاب و تأیید در آغاز دوره فعالیت خود شورای شهرستان را تشکیل دهند که یکی از مهم‌ترین و اولین وظایف محوله به این شورا، پیشنهاد چند گزینه جهت تصدی سمت فرمانداری (مدیر کل ناحیه) به استاندار باشد. هر یک از شوراهای اسلامی روستا، شهر و شهرستان ملزم به تدوین چشم‌انداز چهارساله دوره انتخابی خود و نظارت بر حسن انجام آن است. در نهایت پیشنهاد می‌گردد تغییر الگوهای مدیریتی در جهت حرکت به سوی مؤلفه‌های رویکرد حکمروایی خوب (مانند اجتماع‌گرایی، مشارکت‌جویی، قانونمداری، شفافیت و...) به عنوان چارچوب هدایتی و نظارتی اعضای شوراهای اسلامی و ملاک عمل مدیران اجرایی (از جمله فرماندار، بخشداران، شهرداران و دهیاران) قرار گیرد.

۹- منابع

- بهشتی، محمدباقر، زالی، نادر، «شناسایی عوامل کلیدی توسعه منطقه‌ای با رویکرد برنامه‌ریزی بر پایه سناریو، مطالعه موردی: استان آذربایجان شرقی»، فصلنامه مدرس علوم انسانی-برنامه‌ریزی و آمایش فضا، دور پانزدهم، شماره ۱، ۱۳۹۰.
- تقوایی، مسعود، وارثی، حمیدرضا، شیخ بیگلر، رعنا، «تحلیل نابرابری‌های توسعه ناحیه‌ای»، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۸، ۱۳۹۰.
- تقوایی، مسعود، بهاری، عیسی، «سطح‌بندی و سنجش درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان مازندران با استفاده از مدل تحلیل عاملی و تحلیل خوشه‌ای»، فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، سال ۲۳، پیاپی ۴۸، شماره ۴، ۱۳۹۱.
- تقی‌زاد، فاطمه، صرافی، مظفر، «راهبرد شبکه منطقه‌ای، چارچوبی برای توسعه منطقه‌ای در کشور»، مجله پژوهش‌های علوم زمین، سال اول، شماره ۱، ۱۳۸۷.
- جمعه‌پور، محمود، مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی، دیدگاه‌ها و روش‌ها، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۴.
- رحمانی فضلی، عبدالرضا، سعیدی، عباس، احمدوند، آرزو، «نقش سرمایه‌گذاری‌های شهری در توسعه روستایی، مورد: دهستان ژاورود (بخش مرکزی شهرستان کامیاران)»، فصلنامه جغرافیا، دور جدید، سال سیزدهم، شماره ۴۶، ۱۳۹۴.
- رضوانی، محمدرضا، شاه‌چراغ، سیده محبوبه، «پیوندهای روستایی- شهری، شبکه‌های مهاجرت و توسعه روستایی (مورد مطالعه: ناحیه ده‌ملا، استان سمنان)»، فصلنامه توسعه روستایی، دوره ۳، شماره ۱، ۱۳۹۱.
- زالی، نادر، «آینده‌نگاری راهبردی و سیاست‌گذاری منطقه‌ای با رویکرد سناریونویسی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال چهاردهم، شماره چهارم، ۱۳۹۰.
- زالی، نادر، زمانی‌پور، مسعود، «تحلیل سیستمی متغیرهای راهبردی توسعه منطقه‌ای در برنامه‌ریزی سناریو مبنا (مطالعه موردی: استان مازندران)»، فصلنامه آمایش سرزمین، دوره هفتم شماره اول، ۱۳۹۴.
- زالی، نادر، زمانی‌پور، مسعود، «تحلیل سیستمی متغیرهای راهبردی توسعه منطقه‌ای در برنامه‌ریزی سناریو مبنا (مطالعه موردی: استان مازندران)»، فصلنامه آمایش سرزمین، دوره هفتم شماره اول، ۱۳۹۴.
- زیاری، کرامت‌الله، اصول و روش‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۹.



- سعیدی، عباس، سلطانی، ریحانه، «نقش پیوندهای کلان‌شهری در تحول کالبدی-فضایی روستاهای پیرامونی (نمونه: روستای حصار در حوزه کلان‌شهر مشهد)»، فصل‌نامه جغرافیا، نشریه علمی و پژوهشی انجمن جغرافیایی ایران، شماره ۳، ۱۳۸۳.
- سعیدی، عباس، تقی‌زاده، فاطمه، «پیوندهای روستاشهری و توسعه منطقه‌ای، بررسی تطبیقی شهرستان‌های باغ‌ملک و اردکان»، جغرافیا (نشریه علمی و پژوهشی انجمن جغرافیدان ایران)، شماره ۶ و ۷، ۱۳۸۴.
- سعیدی، عباس، «محیط، فضا و توسعه، بحثی در ضرورت توسعه یکپارچه روستاشهری»، فصل‌نامه مسکن و محیط، شماره ۱۳۱، ۱۳۸۹.
- سعیدی، عباس، عزیزپور، فرهاد، حسینی حاصل، صدیقه، خلیفه، ابراهیم، ریکا، جهانبخش، «مطالعه تطبیقی موانع شکل‌گیری پیوندهای روستایی - شهری، مورد: نواحی مرودشت (فارس) و کوهدشت (لرستان)»، فصل‌نامه جغرافیا (نشریه علمی و پژوهشی انجمن جغرافیدان ایران)، دوره ۱۰، شماره ۳۳، ۱۳۹۱.
- سعیدی، عباس، «پیوستگی توسعه روستایی شهری در قالب منظومه‌های روستایی»، فصل‌نامه برنامه‌ریزی کالبدی-فضایی، سال دوم، شماره چهارم، ۱۳۹۲.
- سلطانی مقدس، ریحانه، «نقش پیوندهای روستایی-شهری در تحولات فضایی روستایی با تاکید بر سرمایه‌های ناحیه‌ای، نمونه موردی: روستاهای بخش طرqbه، شهرستان مشهد»، رساله دکتری رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۶.
- شریف‌زاده، مریم، «موانع شکل‌گیری پیوندهای روستایی-شهری در راستای توسعه منطقه‌ای، نمونه موردی: بخش مرکزی شهرستان بروجرد»، اولین کنفرانس بین‌المللی سکونت‌گاه‌های روستایی، مسکن و بافت، ابعاد فضایی-مکانی سکونت‌گاه‌های روستایی، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۸۹.
- شفیعی ثابت، ناصر، اسماعیل‌زاده، حسن، «پیوندهای روستایی-شهری، شبکه بازارهای دوره‌ای و توسعه ناحیه‌ای (مورد مطالعه: سکونت‌گاه پیرامونی کلان‌شهر تهران)»، فصل‌نامه آمایش سرزمین، دوره ششم، شماره دوم، ۱۳۹۳.
- هیگینز، جیمز ام، ۱۰۱ تکنیک حل خلاق مسئله، ترجمه احمدپور داریانی، محمود، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۹۴.
- Beheshti, M., Zali, N., "Identification of key factors in regional development based on scenario planning approach, Case study:

- East Azerbaijan Province”, Journal of spatial arrangement and planning, Vol. 15, No. 1, 2011. [In Persian فارسی]
- Taghvaii, M., Varesi, H., Sheikhbeiglo, R., “Analysis of disparities in regional development”, Journal of human geography research, No. 78, 2011. [In Persian فارسی]
 - Taghvaii, M., Bahari, I., “Classification and measurement of the level of development of the townships of Mazandaran province using factor analysis and cluster analysis”, Journal of geography and environmental planning, Year 23, No. 48, 2012. [In Persian فارسی]
 - Taghizade, F., Sarafi, M., “Regional network strategy, a framework for regional development in the country”, Journal of earth sciences, First Year, No. 1, 2008. [In Persian فارسی]
 - Jomepour, M., *Introduction to rural development planning, views and methods*, Tehran: SAMT publications, 2005. [In Persian فارسی]
 - Rahmanifazli, A., Saeedi, A., Ahmadvand, A., “The role of urban investment in rural development, Case study: Zhavrood district (Central part of Kamyaran)”, Journal of geography, No. 46, 2014. [In Persian فارسی]
 - Rezvani, M., Shahcheragh, S. M., “Urban linkages, migration networks and rural development (Case study: Dhmla area in Semnan Province)”, Journal of rural development, Vol. 3, No. 1, 2010. [In Persian فارسی]
 - Zali, N., “Foresight and strategic approach to regional policy scenario”, Journal of strategic studies, No. 4, 2011. [In Persian فارسی]
 - Zali, N., Zamanipour, M., “Systems analysis of strategic regional development variables in planning scenarios (Case study: Mazandaran)”, Journal of town and country planning, No. 1, Vol. 7, 2016. [In Persian فارسی]
 - Zeyari, K., *Principles and methods of regional planning*, Tehran: Tehran University Press, 2010. [In Persian فارسی]
 - Saeedi, A., Soltani, R., “The role of metropolitan links in physical-spatial evolution in the surrounding villages (Example: Hesar village in Mashhad metropolitan Area)”, Journal of geography,



- geographical society's scientific journal, No. 3, 2004. [In Persian فارسی]
- Saeedi, A., Taghizade, F., "Rurbans links and regional development, a comparative study of Baghmalek and Ardakan city", Journal of geography (scientific journal of geographer association of Iran), No. 6-7, 2005. [In Persian فارسی]
 - Saeedi, A., "Environment, space and development, a debate on the need for rural-urban integrated development", Journal of housing and environment, No. 131, 2010. [In Persian فارسی]
 - Saeedi, A., Azizpour, F., Hoseeni Hasel, S., Khalife, E., Rika, J., "Comparative study of the barriers to the formation of rural - urban linkages: Marvdasht areas (Fars) and Kouhdasht (Lorestan)", Journal of geograghy (scientific journal of geographer association of Iran), Vol. 10, No. 33, 2012. [In Persian فارسی]
 - Saeedi, A., "Rural-urban development continuity in the form of rural collections", Journal of physical-spatial planning, No. 4, 2013. [In Persian فارسی]
 - Soltani Moghadas, R., "The role of rural-urban linkages in rural spatial changes with an emphasis on areal capitals, Case study: Torghabeh rural area, the township of Mashhad", PhD thesis in geography and rural planning, Department of earth sciences, Shahid Beheshti University, 2006. [In Persian فارسی]
 - Sharifzadeh, M., "Obstacles to the formation of rural-urban linkages to regional development, Case study: Central district of Boroujerd", First international conference on rural settlements, housing and spatial aspects of rural settlements, Islamic Revolution Housing Institute, 2009. [In Persian فارسی]
 - Shafei Sabet, N., Esmaeelzadeh, H., "Rural-urban linkages, networks periodic markets and regional development (Case study: settlements surrounding Tehran metropolis), Journal of town and country planning, Vol. 6, No. 2, 2013.
 - Higgins, James M., *101 creative problemsolving techniques*, Translated by: Ahmad Dariani, Mahmoud, Tehran: Amirkabir Publications, 2014. [In Persian فارسی]

- Akkoyunlu, S., "The Potential of rural-urban linkages for sustainable development and trade", *International journal of sustainable development & world policy*, No. 4, Vol. 2, 2015.
- Copus, A., "Urban-rural relationships in the new century: Clarifying and updating the intervention logic", in *new paradigm in action successful partnerships*, edited by Maciej Kolczyński. Warsaw: Polish Ministry of Regional Development, 2013.
- Dower, M., "Rural development in the New Paradigm", in *New Paradigm in action successful partnerships*, edited by Maciej Kolczyński. Warsaw: Polish Ministry of Regional Development, 2013.
- Douglass, M., "A regional network strategy for reciprocal rural-urban linkages: An agenda for policy research with reference to Indonesia", *Third World Planning Review*, Vol. 20, No. 1, 1998.
- Douglass, M., "Integrated regional planning for sustainable development in Asia: Innovations in the governance of metropolitan, rural-urban, and trans-border riparian regions", UNCRD expert group meeting on integrated regional development planning, 28-30 May, 2013.
- Global Monitoring Report, *Rural-urban dynamics and the millennium development goals*, Washington D.C.: World Bank and International Monetary Fund, 2013.
- Godet, Michel, "Strategic Foresight", Lipsor Working Paper, France, Paris, 2008.
- Godet, A. J., Meunier, M. F., Roubelat, F., "Structural analysis with the MICMAC method & actors' strategy with MACTOR method", AC/UNU Millennium Project: Futures Research Methodology-V2.0, AC/UNU, Washington D.C., 2003.
- Godet, Michel, "Creating futures: Scenario planning as a strategic management tool", France, Economica Publish, 2006.
- Gordon, Adam, *Future Savvy*, New York: American Management Association Press, 2009.
- Ira Das, Mrinal Kanti Dutta, Borbora, Saundarjya, "Rural-urban linkages for development of rural economy in Assam: A social accounting matrix approach", *International journal of rural management* No. 9, Vol. 2, 2013.



- OECD, *Rural-urban partnerships: An integrated approach to economic development*, OECD rural policy reviews, Paris: OECD Publishing, 2013.
- Okpala. C., "Promoting the positive rural-urban linkages approach to sustainable development and employment condition, The role of UN HABITAT", United Nations Human Settlements Program, 2003.
- Tacoli, Cecilia, "Rural-urban interactions: A guide to the literature", *Environment and urbanization*, Vol. 10, No. 1, pp. 147-166, 1998.
- Tacoli, C., Richard, M., "Exploring mobility and migration in the context of rural-urban linkages: Why gender and generation matter", *Environment and urbanization*, No. 22, Vol. 2, 2010.
- Wen, Bao, "Urban-rural integrated development in Chengdu City: From feasibility to sustainability", Institute of mountain hazards and environment, Chinese academy of sciences and ministry of water resources, Chengdu, 2007.
- World Bank, *World development report: Equity and development*, New York: Oxford University Press, 2006.